

پاسخ های پیشنهادی فعالیت های تاریخ (۱) ایران و جهان باستان

پایه دهم (رشته انسانی)

دوره دوم متوسطه

تهیه کننده : مهران زنگنه

سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

دیر دبیرستان های ایزده

درس اول

فعالیت ۱

مشخص کنید واژه ی تاریخ در هریک از جمله های زیر چه معنایی دارد.

الف) تاریخ را باید به شیوه ی علمی و روشمند نوشت. علم تاریخ

ب) هنوز تاریخ برگزاری انتخابات شورای دانش آموزی مدرسه، تعیین نشده است. تعیین زمان (تقویم)

پ) تاریخ باستان مملو از جنگ و کشورگشایی است. مجموعه ی حوادث

فعالیت ۲

با توجه به مطالب سنگ نوشته ی بیستون، دلیل بیاورید که چرا این سنگ نوشته به عنوان یک سند تاریخی معتبر محسوب می شود. این کتیبه که به تنهایی، چندین برابر کتیبه های دیگر پارسی است، از جهت در برداشتن حقایق تاریخی دارای اهمیت زیادی می باشد، زیرا وقایع و رویدادهای دوره ای از تاریخ ایران را در همان زمان و بدست پدید آورندگان تاریخ آن عصر بازگو می کند. از طرف دیگر به سبب داشتن لغات و واژه های زیادی که در بر دارد، دارای ارج و ارزش زیادی در بررسی تاریخ زبان فارسی است و اگر از حیث مورد مطالعه قرار گیرد، اطلاعات نسبتاً جامعی از نظام زبان پارسی باستان را برای ما معلوم می کند.

فعالیت ۳

الف) به چند گروه تقسیم شوید و با راهنمایی دبیر خود، هر گروه یک موضوع تحقیق درباره ی تاریخ ایران باستان با ویژگی هایی که برشمرده شد، ارائه دهید. ۱- دین و اعتقادات دینی در دوره ی هخامنشیان ۲- بازرگانی در دوره ساسانی ۳- نقش خلیج فارس در دوره ی باستان و

ب) فرض کنید می خواهید درباره ی اهمیت و نقش جاده ی ابریشم در دوره ی ساسانیان تحقیق کنید. با همفکری، پرسش های این تحقیق را کامل نمایید.

۱- جاده ی ابریشم از چه کشورها و سرزمین هایی می گذشت؟

۲- از جاده ی ابریشم چه کالاهایی مبادله می شد؟

۳- نقش جاده ی ابریشم در زندگی مردمان مناطقی که جاده از آن جا عبور می کرد چه بود؟

۴- نگهداری و تعمیر جاده ی ابریشم چگونه صورت می گرفت؟

۵- جاده ی ابریشم چه اهمیت و نقشی در روابط فرهنگی ایران با دیگر کشورها داشت؟

فعالیت ۴

با مراجعه به کتابخانه ی مدرسه، محله یا کتابخانه ی شخصی خود، یکی از منابع دست اول یا دست دوم تاریخ را انتخاب کرده، سپس موضوعی از آن کتاب را تعیین نمایید و مطابق نمونه فیش صفحه ی بعد، فیش برداری کنید. پاسخ بر عهده ی دانش آموزان است.

فعالیت ۵

مراحل پژوهش تاریخ را تکمیل کنید. ۱- انتخاب موضوع ۲- تدوین پرسش های تحقیق ۳- شناسایی منابع ۴- گزارش یافته های پژوهش ۵- تحلیل و تفسیر اطلاعات ۶- گردآوری و تنظیم اطلاعات.

فعالیت ۶

تصاویر بالا را به دقت نگاه کنید و بگویید چرا هر یک از آن ها منبع دست اول برای دوره ی خود هستند؟ زیرا تمامی آثار باستانی و تاریخی، شامل بناها، ابزارها، اشیاء، سنگ نگاره ها و سنگ نوشته ها، سکه ها و هر وسیله ای که از گذشته به جای مانده است، به عنوان منبع دست اول محسوب می شوند.

فعالیت ۷

با مراجعه به کتابخانه ی مدرسه یا منزل خود، چند نمونه از منابع دست اول و دست دوم تاریخ ایران را فهرست نمایید.
منابع دسته اول:

۱. گزنفون. (۱۳۸۰). کورش نامه، (ترجمه رضا مشایخی)، تهران: علمی و فرهنگی.
۲. گزنفون. (۱۳۸۶). لشکرکشی کورش، (ترجمه وحید مازندرانی)، تهران؛ دنیای کتاب.
۳. هرودوت. (۱۳۳۶). تاریخ، (ترجمه هادی هدایتی)، تهران: دانشگاه تهران، ۶ج.
۴. پلوتارک. (۱۳۷۹). حیات مردان نامی، (ترجمه رضا مشایخی)، تهران: ققنوس، ۴ ج.
۵. توسیدید. (۱۳۷۷). تاریخ جنگ پلوپونزی، (ترجمه محمدحسن لطفی)، تهران؛ خوارزمی.

منابع دسته دوم:

۱. پیرنیا، حسن. (۱۳۷۵). تاریخ ایران باستان، تهران: دنیای کتاب، ۳ج.
۲. دندامایف، ایگور میخائیل (۱۳۸۰). تاریخ سیاسی هخامنشیان، (ترجمه خشایار بهاری)، تهران: کارنگ.
۳. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۸). تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، تهران؛ امیرکبیر، ۲ج.
۴. شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۴۸). کورش بزرگ، شیراز، انشگاه پهلوی.
۵. گیرشمن، رومن. (۱۳۷۹). ایران از آغاز تا اسلام، (ترجمه محمدمعین)، تهران: علمی و فرهنگی.

فعالیت ۸

به تصویر بالا دقت کنید و بگویید چرا بازگرداندن اشیای تاریخی به کشور اقدامی مهم و ارزشمند است؟ آثار تاریخی هر کشوری نشان دهنده ی هویت آن کشور است. با باز گرداندن این اشیاء به ایران ۱- سرمایه های ملی ما برگردانده می شود. ۲- با مطالعه روی این آثار، قسمتی از تاریخ ما مشخص می شود ۳- نگهداری از آن ها با دقت بیشتری انجام می گیرد ۴- باعث جذب گردشگر می شود.

درس ۲

فعالیت ۱

با استفاده از تقویم، اسامی ماه های جدول بالا را تکمیل کنید.

هجری خورشیدی	هجری قمری	میلادی
فروردین	محرم	ژانویه
اردیبهشت	صفر	فوریه
خرداد	ربیع الاول	مارس
تیر	ربیع الثانی	آوریل
مرداد	جمادی الاول	می
شهریور	جمادی الثانی	جان
مهر	رجب	جولای
آبان	شعبان	آگوست
آذر	رمضان	سپتامبر
دی	شوال	اکتبر
بهمن	ذیقعه	نوامبر
اسفند	ذالحجه	دسامبر

فعالیت ۲

الف) برداشت شما از معانی اسامی روزها در گاه شماری اوستایی چیست؟ در گاه شماری اوستایی، نام روزها و ماه ها برگرفته از خدایان و ایزدان زردشتی است.

ب) به جدول صفحه ی قبل نگاه کنید و بگویید نام چه تعداد از روزهای ماه، با نام ماه های گاه شماری اوستایی یکسان است؟ ۱۱ ماه با راهنمایی دبیر خود، مشخص کنید هم زمانی روز و ماه در این گاه شماری با چه رویدادی همراه بود؟ همراه با جشن مربوط به آن ماه سال بود. پ) محاسبه ی کیبسه در گاه شماری اوستایی چگونه انجام می شد؟ از آنجا که در این تقویم سال را ۳۶۵ شبانه روز می گرفتند، در هر ۴ سال یک شبانه روز و در هر ۱۲۰ سال ۳۰ شبانه روز از سال شمسی حقیقی عقب می افتاد. برای رفع این مشکل آنان بعد از هر ۱۲۰ سال یک ماه به دوازده ماه سال اضافه می کردند و آن سال سیزده ماهه می شد.

فعالیت ۳

الف) با استفاده از فرمول های تطبیق و تبدیل سال های میلادی، هجری قمری و هجری شمسی که دبیر محترم در اختیار شما قرار می دهد، چند نمونه تطبیق و تبدیل سال های میلادی، هجری شمسی و هجری قمری را انجام دهید.

روش تبدیل سال هجری قمری به هجری شمسی

$$= \text{سال قمری مورد نظر} - ۳۶۵ \div ۱۱ \times \text{سال قمری مورد نظر}$$

مثال: سال ۱۲۶۸ هجری قمری برابر با کدام سال هجری شمسی است؟

۱) $۱۲۶۸ \times ۱۱ = ۱۳۹۴۸$

۲) $۱۳۹۴۸ \div ۳۶۵ = ۳۸$

۳) $۱۲۶۸ - ۳۸ = ۱۲۳۰$

بنابراین سال ۱۲۶۸ هجری قمری برابر است با سال ۱۲۳۰ هجری شمسی.

روش تبدیل سال هجری شمسی به هجری قمری

$$= \text{سال شمسی مورد نظر} + ۳۵۴ \div ۱۱ \times \text{سال شمسی مورد نظر}$$

مثال: سال ۱۳۲۰ هجری شمسی برابر با کدام سال هجری قمری است؟

$$۱) ۱۳۲۰ \times ۱۱ = ۱۴۵۲۰$$

$$۲) ۱۴۵۲۰ \div ۳۵۴ = ۴۱$$

$$۳) ۱۳۲۰ + ۴۱ = ۱۳۶۱$$

بنابراین سال ۱۳۲۰ هجری شمسی برابر است با سال ۱۳۶۱ هجری قمری

تبدیل سال هجری قمری به میلادی از طریق فرمول هارتنر

$$(\text{سال هجری قمری} \times \frac{۳۲}{۳۳} + ۶۲۲ = \text{سال میلادی})$$

مثال : سال مورد نظر سال ۶۱ هجری قمری

$$۱) ۶۲۲ + \frac{۳۲}{۳۳} \times ۶۱ =$$

$$۲) ۶۲۲ + \frac{۳۲ \times ۶۱}{۳۳} = \frac{۱۹۵۲}{۳۳}$$

$$۳) ۶۲۲ + \frac{۱۹۵۲}{۳۳} = ۵۹/۱$$

$$۴) ۶۲۲ + ۵۹/۱ = ۶۸۱/۱ \quad \text{میلادی}$$

سال مورد نظر ۶۸۱ است (سال شهادت امام حسین (ع) در کربلا).

تبدیل سال میلادی به هجری قمری از طریق فرمول هارتنر

$$(\text{سال میلادی} - ۶۲۲) \times \frac{۳۳}{۳۲} = \text{سال هجری قمری}$$

مثال : سال مورد نظر ۱۸۱۲ میلادی

$$۱) \frac{۳۳}{۳۲} (۱۸۱۲ - ۶۲۲) = ۱۱۹۰$$

$$۲) \frac{۳۳}{۳۲} (۱۱۹۰) =$$

$$۳) \frac{۳۳ \times ۱۱۹۰}{۳۲} = \frac{۳۹۲۷۰}{۳۲}$$

$$۴) \frac{۳۹۲۷۰}{۳۲} = ۱۲۲۷/۱$$

چون رقم اعشاری کمتر از ۵/۰ است بنابراین به حساب نمی آید و حذف می شود. بنابراین سال مورد نظر ۱۲۲۷ هجری قمری است.

تبدیل سال هجری شمسی به میلادی

سال میلادی = ۶۲۲ + سال شمسی (۱۱ دی ماه تا ۲۹ یا ۳۰ اسفند)

سال میلادی = ۶۲۱ + سال شمسی (۱ فروردین تا ۱۱ دی)

مثال: ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ هجری شمسی برابر با کدام روز، ماه و سال میلادی است؟

۱- اول بهمن مطابق با ۲۱ ژانویه است.

۲- ۲۲ بهمن مطابق با ۱۱ فوریه است.

۳- چون ۲۲ بهمن بین ۱۱ دی و ۲۹ یا ۳۰ اسفند قرار دارد، بنابراین به تاریخ شمسی مورد نظر عدد ۶۲۲ می افزاییم.

$$۱۳۵۷ + ۶۲۲ = ۱۹۷۹$$

بنابراین ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ برابر است با ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ میلادی

فرمول تبدیل سال میلادی به شمسی:

سال شمسی=۶۲۱- سال میلادی(۲۱ مارس تا ۳۱ دسامبر)

سال شمسی=۶۲۲- سال میلادی(۱ ژانویه تا ۲۰ مارس)

مثال: ۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی برابر با کدام روز، ماه و سال هجری است؟

۱- اول اوت برابر است با ۱۰ مرداد

۲- ۵ اوت برابر است با ۱۴ مرداد

۳- از آنجا که تاریخ موردنظر میلادی بین ۲۱ مارس تا ۳۱ دسامبر قرار دارد عدد ۶۲۱ را از سال میلادی کم می کنیم.

$$۱۲۸۵ = ۶۲۱ - ۱۹۰۶$$

بنابراین، ۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی برابر است با ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ هجری شمسی

ب) چه نوع گاه شماری هایی در تصویر بالا مشاهده می کنید؟ زاد روز خود را با این گاه شماری ها بنویسید. هجری شمسی - هجری قمری - میلادی. پاسخ بر عهده دانش آموزان است.

فعالیت ۴

با راهنمایی دبیر و همفکری با یکدیگر، توضیح دهید که تقسیم بندی های ردیف های ب، پ و ث براساس چه معیارهایی انجام گرفته است.

ردیف ب: استفاده انسان از جنس ابزار متناسب با آن دوره.

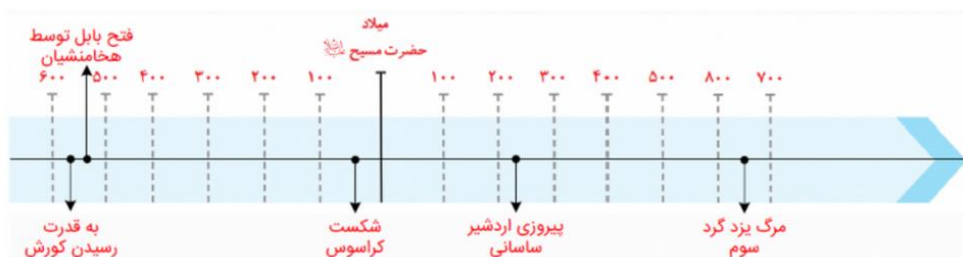
ردیف پ: بر اساس شیوه ی اقتصاد معیشتی.

ردیف ث: بر اساس ورود دین اسلام به ایران.

فعالیت ۵

با راهنمایی دبیر خود رویدادهای زیر را بر روی نمودار خط زمان نشان دهید.

۱-۵۵۰ ق.م. : به قدرت رسیدن کوروش در پارس ۲-۵۳۹ ق.م. : فتح مسالمت آمیز بابل توسط سپاه هخامنشی و صدور منشور کوروش ۳-۵۳ ق.م. : شکست کراسوس سردار معروف روم از سورنا سردار ایرانی ۴-۲۲۴ م. : پیروزی اردشیر ساسانی بر آخرین پادشاه اشکانی ۵-۶۵۱ م. : مرگ یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی.



درس ۳

فعالیت ۱

اشیای آرامگاه توتنخامون و نقاشی غار لاسکو را به دقت ملاحظه کنید و با همفکری به پرسش های زیر پاسخ دهید.

الف) به نظر شما، باستان شناسان با بررسی اشیای صفحه قبل و نقاشی بالا، به چه اطلاعاتی درباره ی مردمان گذشته دست می یابند؟ دین، اعتقادات، باورها، شیوه های تدفین، شیوه های هنری، شیوه های معماری، خط و ادبیات، صنایع، ادوات نظامی، نوع و شکل لباس.

ب) این اطلاعات چه اهمیتی در شناخت گذشته دارد؟ این آثار چشم اندازی ملموس و بی واسطه از چگونگی زندگی گذشتگان را در اختیار ما می گذارند و گوشه هایی از اوضاع و احوال زمان آفرینش خود را منعکس می کند. به تعبیر دیگر هر اثر هنری را می توان گونه ای رخداد تاریخی دانست که تا زمان حال باقی مانده است و به محقق این امکان را می دهد که از دریچه ی آن با دوران های گذشته ارتباط برقرار کند و اختصاصی ترین ویژگی های یک جامعه را در زمانی مشخص آشکار سازد.

فعالیت ۲

به تصویر سر در موزه ی ملی ایران باستان با دقت نگاه کنید و بگویید معماری آن با الگوگیری از کدام بنای تاریخی، طراحی شده است؟ طاق کسر یا ایوان مدائن که از آثار باقی مانده ی دوره ساسانیان می باشد که در کنار رود دجله در عراق کنونی بنا شده است.

فعالیت ۳

با راهنمایی دبیر خود درباره ی دلایل اهمیت کاوش های باستان شناسی در مطالعه و شناخت دوران پیش از تاریخ، گفت و گو نمایید. دوران پیش از تاریخ یعنی دوره ای که انسان هنوز نوشتن را نیاموخته بود و بنابراین اثری نوشتاری نیز از او به جا نمانده است، آثار باستانی مهم ترین منبع کسب آگاهی هستند. به عبارت دیگر تاریخ نانوشتی انسان در این دوران را باید در لابه لای آثار جست وجو کرد. آنچه که ما درباره ی اعصاری مانند عصرسنگ، عصر مس، عصر مفرغ و نظایر آن ها می دانیم، همچنان که از نام آن ها برمی آید، به کمک آثار انسانی به دست آمده است. در واقع با استفاده از دستاوردهای باستان شناختی است که آگاهی مورخان و ما به ده ها، صدها، هزارها و گاه میلیون ها سال رسیده است. زیرا چنانکه قبلاً گفتیم عمر نوشته های تاریخی به زحمت تا چند هزار سال می رسد.

فعالیت ۴

اهمیت درس باستان شناسی و تأثیر محتوای آن بر خود را در قالب یک گزارش کوتاه بیان کنید. ۱- روشن نمودن قسمت های تاریک تاریخ ۲- ارزش بالا و مهم آثار باستانی و ضرورت نگهداری و مرمت آن ها ۳- ضرورت آگاهی دادن و آموزش مردم در زمینه ی نگهداری و محافظت از این آثار.

درس ۴

فعالیت ۱

با همفکری: (الف) دو مورد از تأثیرات آتش بر زندگی انسان های نخستین را بیان کنید. با کشف آتش گروه های انسانی در روی کره زمین گسترش بیشتری پیدا کردند، و از مناطق گرم مهاجرت کرده، و به سوی سرزمین های معتدل و سرد کوچ کردند. آتش انسان را در فرار از سرما و رهایی از اسارت محیط طبیعی یاری داد. روشنایی آتش در شب سلطه ی انسان را بر مناطق بیشتری سبب شد و حیوانات وحشی و خشن را از اطراف او فراری داد. آتش سبب پختن و هضم بهتر غذا شد.

(ب) توضیح دهید: چرا آشنایی با آتش، شرایط مناسبی برای انسان، جهت زندگی در مناطق غیراستوایی پدید آورد؟ بر اساس مطالعات جغرافیایی عرض های بالای کره زمین سردتر از مناطق استوایی می باشد و احتمال این که انسان های اولیه به خاطر عدم تحمل سرما در مناطق اطراف استوا زندگی می کردند، بیشتر است. با کشف آتش انسان اولیه توانست به عرض های شمالی تر کره زمین مهاجرت کند و به کمک آتش خود را گرم نگه دارد و دست از مهاجرت بردارد.

فعالیت ۲

با همفکری: (الف) بگویید به چه دلیل باستان شناسان، کهن ترین دوران زندگی انسان را عصر سنگ نامیده اند. چون در این دوران اصلی ترین و بیشترین ماده ای که انسان های نخستین برای رفع احتیاجات و ساخت ابزار به کار می گرفتند، سنگ بود.

(ب) به تصاویر ابزارهای سنگی و نمودار خط زمان دقت کنید و توضیح دهید: باستان شناسان بر اساس چه معیاری، دوره ی پارینه سنگی را به دوره های قدیم، میانه و جدید تقسیم کرده اند؟ این تقسیم بندی ها بر پایه تکنولوژی فن ابزار سازی در این برهه از زندگی انسان ها شکل گرفته است. یعنی بر اساس پیشرفت انسان در شیوه های زندگی و توانایی او در ساخت ابزار سنگی که از مرحله ی ساده به مراحل پیشرفته تر و بر اساس ترکیبی پیچیده ساخته می شدند تا بهتر و راحت تر بتواند نیازهای خود برای شکار، کندن زمین، بریدن گوشت و انجام دهد.

فعالیت ۳

به نقشه دقت کنید و سپس ارتباط میان شرایط جغرافیایی و نخستین جوامع شبانی و کشاورزی را توضیح دهید. با مطالعه نقشه متوجه خواهیم شد اولین جوامع یکجانشین بیشتر در کنار رودهایی نظیر نیل در مصر، دجله و فرات در عراق، کارون در ایران، سند در هند و هوانگ هو در چین شکل گرفته اند. در نتیجه دنبال کردن رود خانه های بزرگ دنیا می توان بیشترین تمدن های بشری را کشف کرد. جوامع شبانی نیز در میان رشته کوه هایی شکل گرفتند که بارندگی های فراوان در آن جا منجر به رویش علفزارهای انبوه شده است.

درس ۵

فعالیت ۱

با مقایسه ی نقشه ی طبیعی تمدن های بین النهرین، مصر، هند و چین باستان، درباره ی زمینه های جغرافیایی مشترک این تمدن ها و تأثیرات آن ها بر ویژگی اصلی تمدن های مذکور گفت و گو کنید.

ویژگی مشترک تمدن های بین النهرین، مصر، هند و چین باستان این است که وجود رودهای پرآب و زمین های آبرفتی کناره ی رودها در شکل گیری آنها نقش اساسی داشته است. تمدن در این سرزمین ها با کشاورزی و یکجانشینی آغاز شده است. نخستین مراکز جمعیتی و شهرها در کناره رودها ایجاد شده است.

فعالیت ۲

به نظر شما آثار کشف شده از آرامگاه شی هوانگ تی چه کمکی به مطالعه و شناخت تاریخ و تمدن چین باستان می کند؟ باورها و اعتقادات – شیوه ی تدفین – آداب و رسوم – ادوات نظامی – نوع پوشش نظامیان – آرایش جنگی نظامیان – هنر مجسمه سازی و موقعیت اجتماعی امپراتور در جامعه چین باستان را نشان می دهند.

فعالیت ۳

درباره ی چند اختراع مهم چینیان باستان به صورت گروهی تحقیق کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید. ساخت ظروف چینی، تهیه ی ابریشم، اختراع کاغذ و فن چاپ، قطب نما، باروت، ساعت مکانیکی، چتر، طب سوزنی، ریخته گری و پول کاغذی.

درس ۶

فعالیت ۱

با همفکری، چند تفاوت نظام های مردم سالاری امروز را با مردم سالاری یونان باستان بیان کنید.

نوع نظام مردم سالارانه (دموکراسی) در یونان باستان، مشارکتی یا مستقیم بود که تصمیمات به طور جمعی به دست افراد گرفته می شد. این نخستین گونه دموکراسی بود که در یونان باستان یافت می شد. اقلیت کوچکی از جامعه که شهروند نامیده می شدند، برای بررسی سیاست ها و گرفتن تصمیمات مهم به طور منظم گرد هم می آمدند. دموکراسی مشارکتی در جوامع امروزی، که توده مردم از حقوق سیاسی بهره مندند و برای همه امکان مشارکت فعالانه نیست؛ بسیار محدود است در این نوع دموکراسی زنان، بردگان و مهاجران حق مشارکت در انتخابات را نداشتند. اما امروزه نظام های مردم سالارانه به شیوه و روش های دیگری وجود دارد که مهم ترین آن دموکراسی نمایندگی است که تصمیمات مربوط به جامعه، نه بدست اعضای آن، بلکه توسط افراد ویژه ای که مردم برگزیده اند؛ گرفته می شود. که به صورت چند حزبی و تک حزبی اجرا می شود.

فعالیت ۲

با استفاده از نقشه ی طبیعی کشورهای یونان و ایتالیا، درباره ی ویژگی های جغرافیایی مشترک این کشورها که بر تاریخ و تمدن آنها تأثیرگذار بوده است، با یکدیگر گفت و گو کنید. کشورهای یونان و ایتالیا در محلی واقع شده اند که در این مکان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا به هم می رسند که این یک موقعیت جغرافیایی بسیار شگفت انگیز و جالب می باشد. یونان و ایتالیا با داشتن موقعیت جغرافیایی بی نظیر خود فرصت های بسیار خوبی را از لحاظ سیاسی، اقتصادی و تجاری به دست آورده اند. این کشورها با داشتن مرزهای زمینی و دریایی توانسته است از اقتصاد بسیار قوی و پیشرفته ای برخوردار باشند و به یکی از پیشرفته ترین کشورهای منطقه تبدیل شود. موقعیت بسیار استراتژیک جغرافیای آنان سبب شده که از زمان های قدیم تمام تاجران و بازرگانان که قصد جابه جایی بین قاره ای داشتند، از این کشور گذر کنند و فرصت های شغلی بسیار خوبی را برای ساکنان این کشورها به وجود بیاورند. از سوی دیگر این داد و ستد باعث آشنایی آنان با دستاوردهای تمدنی مصریان، شمال آفریقا، ایران و تمدن های ساحل شرقی دریای مدیترانه گردید.

فعالیت ۳

درباره ی وضع بردگان و موقعیت اجتماعی آنان در یونان و روم باستان تحقیق کنید و نتیجه ی آن را گزارش نمایید.

یکی از پایین ترین گروه های اجتماعی در یونان و روم باستان بردگان بودند. در یونان، بردگان، غیر یونانیانی بودند که در جنگ اسیر می شدند و یا با پول از بازار برده فروشان خریداری می شدند و به منزله ی ابزاری بودند که هیچ گونه حقی نداشتند. بردگان در یونان به زمین وابسته بودند و با زمین خرید و فروش می شدند و کار اصلی آن ها کار در مزارع و پیشخدمتی در کاخ ها و منازل بود.

در پائین هرم نظام اجتماعی جامعه رومی، بردگان قرار داشتند، که سخت ترین و کم اهمیت ترین کارها را انجام می دادند. رومیها از اسیران جنگی به عنوان برده استفاده می کردند. بزرگان هیچ گونه آزادی و حق انتخابی نداشتند. حتی در میان بزرگان نیز طبقه های مختلفی وجود داشت. ویل دورانت در تاریخ تمدن می نویسد: "در حدود سال ۳۰ قبل از میلاد تعداد غلامان در شهر رم ۴۰۰ هزار نفر و تقریباً نصف جمعیت شهر و در ایتالیا به یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر تخمین زده اند." شمار زیادی از بزرگان در معادن و بر روی زمین های کشاورزی در سیسیل و جنوب ایتالیا کار می کردند در حالیکه تعداد بزرگانی که خدمتکار، صنعتگر و خادم شخصی بودند خیلی محدود بود. در بیشتر اوقات در طول دوران حکومت جمهوری روم با بزرگان با بی رحمی و سرکوب رفتار می شد. طبق قانون جمهوری خواهان برده یک شخص به شمار نمی رفت بلکه مال بحساب می آمد. صاحبان حق داشتند از آنها سوء استفاده کنند، به آنها صدمه بزنند و حتی بدون هیچ پیگردی قانونی برده های خود را بکشند. بزرگان انواع مختلفی داشتند که کم ارزش ترینشان - دسته بزرگی را تشکیل می دادند - که در مزارع و معادن کار می کردند تا آخر عمر محکوم بودند بیگاری های سخت بدنی انجام دهند. این رفتارهای سرکوب گرایانه و بیگاری ها با بزرگان باعث شد تا جمعیت بزرگان به شورشیان بدل شود.

درس ۲

فعالیت ۱

به پنج گروه تقسیم شوید و هر گروه با استفاده از مجموعه قصه های شاهنامه، یکی از داستان های زیر را خلاصه و گزارش آن را در کلاس بخوانید و بگوئید هر یک از این داستان ها، متعلق به کدام یک از دوره های نمودار بالا است ۱- داستان جمشید ۲- داستان ضحاک ماردوش ۳- داستان کاوه ی آهنگر ۴- داستان سیاوش ۵- داستان رستم و سهراب. پاسخ قسمت اول بر عهده ی دانش آموزان است. برای مثال مورد اول و دوم ذکر می شود.

۱- داستان جمشید: جمشید از قدرتمند ترین پادشاهان اسطوره ای در فرهنگ ایران زمین است که به ایجاد نظام طبقاتی و جامعه مدنی پرداخت و مردم را با مشاغل شهری مانند نساجی، خیاطی، معماری، پزشکی، صنعتگری، کشتیرانی و استخراج سنگهای قیمتی آشنا کرد. جمشید در تمام ملتهای منطقه جایگاه ویژه ای دارد. برای نمونه در بسیاری از کتب تاریخ عربی بارها به نیکی و درستی از وی یاد شده است. نسبت دادن شهر پارسه داریوش شاه به نام تخت جمشید از دیگر نمونه های بزرگی و شکوه اوست.

جشن نوروز یادگار روز تاجگذاری اوست که به دو بخش نوروز عامه و خاصه تقسیم می شود. از اقدامات دیگر جمشید، تقاضای جاودانگی برای نوع بشر است که مورد پذیرش اهورا مزدا واقع شد. ساختن و رجمکرد (بهشت زمینی) نیز برای بقای نسل انسان ها پس از یخبندان مهر کوشان بود که از کارهای دیگر اوست. جمشید با داشتن قدرتی بی پایان و ملتی سالم و جاودان دچار غرور شد و این موفقیت های یزدانی را به خود نسبت داد. از این رو دچار خشم الهی گشت و فره ایزدی از او دور شد. و به جای وی پادشاهی سفاک از عربستان به نام ضحاک بر تخت نشست که سال ها مردم را آزار و شکنجه داد تا این که یکی از نوادگان جمشید به نام فریدون به پشتیبانی کاوه آهنگر قدرت را به دست گرفت و ضحاک را به فرمان سروش در کوه البرز زندانی ساخت. لایه های اجتماعی زمان جمشید را احیا کرد و به گسترش قلمرو سلطنتی خود از ایران به توران و روم پرداخت. او جشن مهرگان را به عنوان روز جلوس خود پایه گذاری کرد و وی پیرو آیین مهر یا میترائیسم بود. فریدون پس از مدتی پادشاهی، محدوده فرمانروایی خود را بین سه پسرش ایرج و سلم و تور تقسیم کرد اما سلم و تور بر اثر حسادت، ایرج را کشتند زیرا خواستار ایران جایگاه فرمانروایی او بودند. بعدها فرزندان ایرج، منوچهر انتقام پدر را گرفت و پادشاهی ایران بزرگ را عهده دار شد.

۲- داستان ضحاک ماردوش: ضحاک فرزند امیری نیک سرشت و دادگر به نام «مرداس» بود. اهریمن که در جهان جز فتنه و آشوب کاری نداشت کمر به گمراه کردن ضحاک جوان بست. به این مقصود خود را به صورت مردی نیکخواه و آراسته درآورد و پیش ضحاک رفت و سر در گوش او گذاشت و سخن های نغز و فریبنده گفت. ضحاک فریفته او شد. آنگاه اهریمن گفت: «ای ضحاک، می خواهم رازی را به تو درمیان بگذارم. اما باید سوگند بخوری که این راز را با کسی نگوئی.» ضحاک سوگند خورد. اهریمن وقتی مطمئن شد گفت: «چرا باید تا چون تو جوانی هست پدر پیرت پادشاه باشد؟ چرا سستی می کنی؟ پدرت را از میان بردار و خود پادشاه شو. همه کاخ و گنج و سپاه از آن تو خواهد شد.» ضحاک که جوانی تهی مغز بود دلش از راه به در رفت و در کشتن پدر با اهریمن یار شد. اما نمی دانست چگونه پدر را نابود کند. اهریمن گفت: «غم مخور چاره این کار با من است.» مرداس باغی دلکش داشت. هر روز بامداد برمی خواست و پیش از دمیدن آفتاب در آن عبادت می کرد. اهریمن بر سر راه او چاهی کند و روی آن را با شاخ و برگ پوشانید. روز دیگر مرداس نگون بخت که برای عبادت می رفت در چاه افتاد و کشته شد و ضحاک ناسپاس بر تخت شاهی نشست. چون ضحاک پادشاه شد، اهریمن خود را به صورت جوانی خردمند و

سخنگو آراست و نزد ضحاک رفت و گفت: « من مردی هنرمندم و هنرم ساختن خورشها و غذا های شاهانه است.» ضحاک ساختن غذا و آراستن سفره را به او واگذار کرد. اهریمن سفره بسیار رنگینی با خورشهای گوناگون و گوارا از پرندگان و چهارپایان، آماده کرد. ضحاک خشنود شد. روز دیگر سفره رنگین تری فراهم کرد و همچنین هر روز غذای بهتری می ساخت. روز چهارم ضحاک شکم پرور چنان شاد شد که رو به جوان کرد و گفت: « هر چه آرزو داری از من بخواه.» اهریمن که جویای این فرصت بود گفت: « شاه، دل من از مهر تو لبریز است و جز شادی تو چیزی نمی خواهم. تنها یک آرزو دارم و آن اینکه اجازه دهی دو کتف تو را از راه بندگی ببوسم.» ضحاک اجازه داد. اهریمن لب بر دو کتف شاه گذاشت و ناگاه از روی زمین ناپدید شد. بر جای لبان اهریمن، بر دو کتف ضحاک دو مار سیاه روئید. مارها را از بن بریدند، اما به جای آنها بی درنگ دو مار دیگر روئید. ضحاک پریشان شد و در پی چاره افتاد. پزشکان هر چه کوشیدند سودمند نشد. وقتی همه پزشکان درماندند اهریمن خود را به صورت پزشکی ماهر در آورد و نزد ضحاک رفت و گفت: «بریدن ماران سودی ندارد. داروی این درد مغز سر انسان است. برای آنکه ماران آرام باشند و گزندی نرسانند چاره آنست که هر روز دو تن را بکشند و از مغز سر آنها برای ماران خورش بسازند. شاید از این راه سرانجام، ماران بمیرند.» اهریمن که با آدمیان و آسودگی آنان دشمن بود، می خواست از این راه همه مردم را به کشتن دهد و نسل آدمیان را براندازد. در همین روزگار بود که جمشید را غرور گرفت و فره ایزدی از او دور شد. ضحاک فرصت را غنیمت دانست و به ایران تاخت. بسیاری از ایرانیان که در جستجوی پادشاهی نو بودند به او روی آوردند و بی خبر از جور و ستمگری ضحاک او را بر خود پادشاه کردند. ضحاک سپاهی فراوانی آماده کرد و به دستگیری جمشید فرستاد. جمشید تا صد سال خود را از دیده ها نهان می داشت. اما سرانجام در کنار دریای چین بدام افتاد. ضحاک فرمان داد تا او را با اره به دو نیم کردند و خود تخت و تاج و گنج و کاخ او را صاحب شد. جمشید سراسر هفتصد سال زیست و هر چند به فره وشکوه او پادشاهی نبود سرانجام به تیره بختی از جهان رفت. جمشید دو دختر خوب رو داشت: یکی «شهر نواز» و دیگری «ارنواز». این دو نیز در دست ضحاک ستمگر اسیر شدند و از ترس به فرمان او در آمدند. ضحاک هر دو را به کاخ خود برد و آنان را با دو تن به پرستاری ماران گماشت. گماشتگان ضحاک هر روز دو تن را به ستم میگرفتند و به آشپزخانه می آوردند تا مغزشان را طعمه ماران کنند. اما شهر نواز و ارنواز و آن دو تن که نیکدل بودند و تاب این ستمگری را نداشتند هر روز یکی از آنان را آزاد می کردند و روانه کوه و دشت می نمودند و به جای مغز او از مغز سر گوسفند خورش می ساختند. ضحاک سالیان دراز به ظلم و بی داد پادشاهی کرد و گروه بسیاری از مردم بی گناه را برای خوراک ماران به کشتن داد. کینه او در دل ها نشست و خشم مردم بالا گرفت. یکشب که ضحاک در کاخ شاهی خفته بود در خواب دید که ناگهان سه مرد جنگی پیدا شدند و بسوی او روی آوردند. از آن میان آنکه کوچکتر بود و پهلوانی دلاور بود بر وی تاخت و گرز گران خود را بر سر او کوفت. آنگاه دست و پای او را با بند چرمی بست و کشان کشان بطرف کوه دماوند کشید، در حالی که گروه بسیاری از مردم در پی او روان بودند. ضحاک به خود پیچید و آهسته از خواب بیدار شد و چنان فریادی برآورد که ستونهای کاخ به لرزه افتاد. ارنواز دختر جمشید که در کنار او بود حیرت کرد و سبب این آشفتگی را جویا شد. چون دانست ضحاک چنین خوابی دیده است گفت باید خردمندان و دانشوران را از هر گوشه ای بخوانی و از آنها بخواهی تا خواب تو را تعبیر کنند. ضحاک چنین کرد و خردمندان و خواب گزاران را به بارگاه خواست و خواب خود را باز گفت. همه خاموش ماندند جز یک تن که بی باک تر بود. وی گفت: «شاه، تعبیر خواب تو این است که روزگارت به آخر رسیده و دیگری بجای تو بر تخت شاهی خواهد نشست.» «فریدون» نامی در جستجوی تاج و تخت شاهی بر میاید و ترا با گرز گران از پای در میاورد و در بند میکشد.» از شنیدن این سخنان ضحاک مدهوش شد. چون به خود آمد در فکر چاره افتاد. اندیشید که دشمن او فریدون است. پس دستور داد تا سراسر کشور را بجویند و فریدون را بیابند و به دست او بپارند. دیگر خواب و آرام نداشت.

قسمت دوم-۱- داستان جمشید: پیشدادیان ۲- داستان ضحاک ماردوش: پیشدادیان ۳- داستان کاوه ی آهنگر: پیشدادیان ۴- داستان سیاوش: کیانیان ۵- داستان رستم و سهراب: کیانیان

فعالیت ۲

به پنج گروه تقسیم شوید و با راهنمایی دبیر خود، هر گروه درباره ی زندگی نامه، آثار و خدمات علمی برجسته ی باستان شناسان زیر اطلاعاتی را در قالب پاورپوینت گردآوری و به کلاس ارائه نمایید.

۱- عزت الله نگهبان ۲- عیسی بهنام ۳- علی سامی ۴- یوسف مجید زاده ۵- صادق ملک شه میرزادی.

۱- عزت الله نگهبان، در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در اهواز به دنیا آمد. تحصیلات خود را در دبستان «جمشید جم» و دبیرستان «فیروز بهرام» و مدرسه ی «فنی آلمانی» در تهران به پایان برد. او در سال ۱۳۲۸ در رشته باستان شناسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و در سال ۱۳۲۹، وارد مؤسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو شد و در مدت چهار سال مدرک فوق لیسانس این دانشکده را کسب کرد. در این سال ها با راهنمایی «رونالد مک کان» به بررسی سیر سفال نخودی رنگ

در منطقه خوزستان پرداخت و اطلاعات بسیاری در این زمینه جمع آوری کرد که حاصل آن را در نهایت در رساله‌ی خود تدوین کرد. مهم‌ترین سهم وی در پیشبرد باستان‌شناسی ایران، ایجاد کارگاه دایمی در دشت «قزوین» برای فعالیت‌های باستان‌شناختی دانشگاه تهران و تربیت دانشجوی در این کارگاه است. او با پشتکار فراوان و روحیه خستگی‌ناپذیر، موفق به کسب مجوز و بودجه لازم برای تعمیر کاروانسرای مخروبه «محمدآباد خره» شد. این مکان منحصر به فرد به کانونی برای پژوهش‌های مستمر و درازمدت باستان‌شناختی دانشگاه تهران تبدیل شد که در آن دانشجویان با شرکت در انواع فعالیت‌های میدانی برای پیشبرد اهداف باستان‌شناسی در ایران تربیت می‌شدند. دکتر نگهبان، که یکی از سرسخت‌ترین مدافعان منظم کردن فعالیت‌های مربوط به باستان‌شناسی بوده‌است و بسیاری از افراد او را دشمن بزرگ قاچاقچیان و دلالان عتیقه در ایران می‌دانستند، در پنجمین کنگره بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران در سال ۱۳۴۷، مقاله‌ای ارائه داد و در آن ماده‌ای پیشنهاد کرد که بر اساس آن خرید و فروش اشیای باستانی به صورت غیرمجاز و از طریق قاچاق ممنوع اعلام شود و کنگره را ملزم به صدور قانونی در این زمینه کرد. وی با ارائه این مقاله، نقش اساسی در تصویب قطعنامه محکوم کردن قاچاق و فروش اشیای عتیقه داشت. عزت الله نگهبان، بیشترین میزان طلا را در حفاری‌های باستان‌شناسی ایران بدست آورده است و کاوش‌های وی در قالب مقاله، گزارش و کتاب، همواره مورد توجه باستان‌شناسان بوده‌است. فعالیت‌های باستان‌شناسی دکتر نگهبان باعث شده‌است تا به وی لقب «پدر باستان‌شناسی ایران» داده شود. عزت الله نگهبان در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۷ پس از مدتها بیماری در آمریکا درگذشت.

۲- عیسی بهنام: باستان شناس معاصر، از بنیانگذاران رشته باستان شناسی دانشگاه تهران و از پایه گذاران موزه مردم شناسی. در ۱۲۸۵ ش، در عودلاجان از محلات قدیمی تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه آیانس و تحصیلات متوسطه را در دبیرستانهای تهران به پایان رسانید. در ۱۳۰۸ ش، در نخستین گروه دانشجویان رشته باستان شناسی به فرانسه اعزام شد و در مدت هشت سال اقامت خود در فرانسه، دوره تحصیلی مدرسه لوور را در باستان شناسی پیش از تاریخ به پایان برد و به اخذ درجه لیسانس از دانشکده ادبیات در همین رشته و درجه دیپلم از مؤسسه هنر و باستان شناسی توفیق یافت. در ۱۳۱۶ ش، وزارت فرهنگ او را برای افتتاح موزه ایران باستان به ایران فراخواند و بدین جهت بهنام توانست رساله دکتری خود را به پایان رساند. در ۱۳۱۸ ش، به همراه علی سامی، مأمور کاوش در تخت جمشید شد و از همین سال تا ۱۳۲۵ ش، موزه دار ایران باستان بود (مجله دانشکده...، همانجا). در ۱۳۱۹ ش، به خدمت وزارت فرهنگ در آمد و به جای اشمیت، ریاست هیئت علمی تخت جمشید را بر عهده گرفت. در ۱۳۲۰، به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت و رشته باستان شناسی را پایه گذاری کرد. وی چندی نیز منشیگری و مترجمی سفارت افغانستان در تهران را بر عهده داشت. در ۱۳۳۳ ش، با اخذ درجه معادل دکتری از شورای دانشگاه تهران، به دانشیاری دانشکده ادبیات و پس از آن به استادی ارتقا یافت. وی ۲۳ سال در دانشگاه تدریس کرد، و در نهم آذرماه ۱۳۶۳، در تهران درگذشت. عیسی بهنام از چهره های سرشناس بین المللی در باستان شناسی و هنر ایران به شمار می آمد و نشانهای علمی بسیاری از دانشگاههای معتبر بین المللی دریافت کرد. وی در برگزاری نمایشگاههای آثار ایران در پاریس در ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ ش و همچنین نمایشگاه هایی در بروکسل و نمایشگاه نقاشی ایران در مسکو در ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ ش، نقش به سزایی داشت و به سبب علاقه ای که به مطالعه و معرفی فرهنگ و سنتهای بومی ایران داشت، موزه مردم شناسی را پایه گذاری کرد.

۳- علی سامی: علی سامی (زاده ۱۲۸۹ ش در شیراز - مرگ ۲۲ مرداد ۱۳۶۸) نویسنده، محقق و استاد دانشگاه، باستان‌شناس و رئیس مؤسسه باستان‌شناسی تخت جمشید بود. مرمت آرامگاه کورش بزرگ در سال ۱۳۵۰ ش به سرپرستی وی انجام شد. وی فرزند آقابرگ از شاعران و نقاشان کازرونی است. علی سامی پس از تحصیل ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۰۸ ش به استخدام آموزش و پرورش درآمد و به عنوان دبیر تاریخ و جغرافیا در مدارس شیراز مشغول تدریس شد و پس از آن به مدیری مدرسه و تصدی دانشسرای مقدماتی ارتقا یافت. پس از آن در رشته ادبیات و باستان‌شناسی و تاریخ مشغول تحقیق شد و در این رشته از دانشگاه آزاد آسیایی درجه دکتری افتخاری دریافت کرد، سپس وارد وزارت فرهنگ شد و از سال ۱۳۱۵ نیز به تعمیرات ابنیه تاریخی شیراز پرداخت. در همین زمان، آرامگاه حافظ ساخته شد و موزه پارس و آرامگاه خواجه کرمانی و مسجد جامع عتیق مرمت شدند. سپس به ریاست بنگاه علمی و حفاری تخت جمشید و بعد به سمت ریاست اداره باستان‌شناسی فارس منصوب شد. از اشیای کشف شده توسط علی سامی، تعدادی در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود که از آن جمله است: سر شاهزاده هخامنشی از سنگ لاجورد و بشقاب سنگی به خط آرامی.

۴- یوسف مجید زاده: یوسف مجیدزاده (زاده ۱۳۱۵ در تبریز) باستان‌شناس ایرانی است او تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در زادگاهش به اتمام رساند. در دانشگاه تهران در رشته باستان شناسی تحصیل کرد و پس از کسب مدرک لیسانس با رتبه اول در سال ۱۳۴۱ در سال ۱۳۴۴ با استفاده از بورس شاگرد اول‌ها به شیکاگو رفت و پایه فوق لیسانس و سپس دکترا را با رساله «باستان شناسی و گرایش پیش از تاریخ و تمدن بین النهرین» تا سال ۱۳۵۵ گذراند. او در همان سال

به ایران برگشت و با عنوان استادیار در گروه باستان شناسی و تاریخ هنر دانشگاه تهران مشغول تدریس شد و در سال ۱۳۵۶ به درجه دانش یاری رسید. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مدت سه سال به سمت مدیریت گروه «باستان شناسی و تاریخ هنر» و عضو شورای انتخابات و ترفیعات دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منصوب شد. دکتر مجید زاده در سال ۱۳۶۷ خورشیدی بازنشسته شد. او از سال ۱۳۶۶ عضو شورای علمی «مجله باستان شناسی و تاریخ» مرکز نشر دانشگاهی است. یوسف مجیدزاده پس از بازنشستگی در پاریس زندگی می کرد و با دعوت مسئولین سازمان های مختلف از جمله سازمان میراث فرهنگی در اوایل دهه ۱۳۸۰ به ایران بازگشت تا ریاست عملیات حفاری و کاوشگری بسیار پیچیده منطقه باستانی تمدن جیرفت را به دست گیرد. او معتقد است که جیرفت «حلقه گم شده» تاریخ بشریت محسوب می شود.

۵- صادق ملک شه میرزادی: صادق ملک شه میرزادی در سال ۱۳۲۲ شمسی در شه میرزاد بدینا آمد یکی از باستان شناسان و کاوشگران به نام است که در کاوش های تپه سیلک نقش مهمی را ایفا کرد و مدیریت آن را برعهده داشت. صادق ملک شه میرزادی تحصیلات خود را تا مقطع لیسانس در رشته باستان شناسی در تهران به انجام رساند. وی با عزیمت به آمریکا موفق به اخذ فوق لیسانس در گرایش باستان شناسی پیش از تاریخ ایران و بین النهرین از موسسه شرق شناسی شیکاگو شد و دکترای انسان شناسی خود را نیز با گرایش پیش از تاریخ از دانشگاه پنسیلوانیا دریافت کرد وی علاوه بر شرکت و سرپرستی کاوش های میدانی از جمله تپه سیلک، تالیفات متعددی نیز عرضه کرده است. در مدت سی سال خدمت آموزشی در گروه باستان شناسی دانشگاه تهران، تدریس دروس کاوش در محل، طبقه بندی سفال و اشیاء، طراحی فنی و نقشه برداری و عکاسی، بررسی آثار باستانی، سمینار و ترتیب نمایشگاه، تهیه گزارش مشروح، باستان شناسی و هنر مصر باستان، آشنایی با باستان شناسی، مبانی باستان شناسی فرهنگی، باستان شناسی پیش از تاریخ بین النهرین، باستان شناسی پیش از تاریخ ایران، باستان شناسی آسیای غربی و مصر (این واحد درسی را در دانشگاه های خارج از کشور ارائه کردند)، باستان و فرهنگ ایران باستان (این عنوان درسی رادر دانشگاه هلسینکی ارائه کردند).

فعالیت ۳

نمودار صفحه ی ۶۲ را با نمودار بالا مقایسه و تفاوت های آن ها را بیان کنید.

تا حدود دو قرن پیش و قبل از اینکه خط میخی رمزگشایی و خوانده شود و کاوش های باستان شناسی آغاز گردد، آگاهی و درکی که ایرانیان از ادوار کهن تاریخ و تمدن خود داشتند، به مراتب متفاوت از آگاهی و شناختی بود که امروزه وجود دارد. تا آن زمان مورخان ایرانی بر پایه ی ترجمه ی خدای نامه های متعلق به دوران ساسانی و نیز داستان های شاهنامه ی فردوسی، تاریخ ایران در عهد باستان را به چهار دوره ی ۱- پیشدادیان ۲- کیانیان ۳- اشکانیان ۴- ساسانیان تقسیم می کردند. ولی با کاوش های باستان شناسی و پژوهش های جدید تقسیم بندی جدیدی را مورخان از تاریخ ایران در دوره ی باستان ارائه کردند. که تفاوت های آن به شرح زیر است. ۱- در نمودار اول از دوران پیش از تاریخ و دوران پیش از آریایی هیچ گونه اثری دیده نمی شود. ۲- در نمودار دوم سلسله های پیشدادی و کیانیان جای خود را به سلسله های ماد و هخامنشیان دادند. ۳- در نمودار اول هیچ گونه خبری از زمان حکومت سلسله ها نبود ولی در نمودار دوم کلیه ی دوره ها تاریخ گذاری شدند.

فعالیت ۴

الف) به نظر شما چرا آثار و اشیای متعلق به دوران پیش از تاریخ، نقشی کلیدی در شناخت این دوره دارند؟

چون در دوران پیش از تاریخ، انسان خط را اختراع نکرده بود در نتیجه هیچ گونه اثر نوشتاری از آن دوران به جای نمانده است، بنابراین تنها منبع اطلاعاتی برای روشن نمودن تاریخ آن دوران، آثار و اشیاء بازممانده از آن زمان است که محققان از طریق آن ها بتوانند کسب آگاهی کنند. به عبارت دیگر تاریخ نانوشته ی انسان در این دوران را باید در لابه لای آثار جست وجو کرد. آنچه که ما درباره ی اعصاری مانند عصرسنگ، عصر مس، عصر مفرغ و نظایر آن ها می دانیم، همچنان که از نام آنها برمی آید، به کمک آثار انسانی به دست آمده است. در واقع با استفاده از دستاوردهای باستان شناختی است که آگاهی مورخان و ما به ده ها، صدها، هزارها و گاه میلیون ها سال رسیده است. زیرا عمر نوشته های تاریخی به زحمت تا چند هزار سال می رسد.

ب) به تصویر آثار و بناهای بالا به دقت نگاه کنید و با راهنمایی دبیر خود بگویید این آثار و بناها، حاوی چه اطلاعاتی درباره ی گذشته هستند؟ ۱- تاریخ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و هنری ۲- جغرافیای تاریخی ۳- شیوه ی معماری و شهرسازی ۴- نوع و شکل وسایل ۵- نوع و شکل لباس ۶- صنعت

پ) اشیاء و ابزارهای باستانی چه اطلاعاتی درباره ی سازندگان و استفاده کنندگان این آثار در اختیار محققان قرار می دهند؟

اطلاعاتی در مورد تکنولوژی ساخت و شیوه فناوری، بکارگیری روش های علوم دقیق طبیعی، ذوق هنری و خلاقیت فکری صنعتگر، طرز تفکر سازندگان، تاثیر پذیری و تقلیدی بودن آثار، مواد بکار برده شده، علوم بکار برده شده در ساخت ابزار توسط سازندگان را نشان می دهد از طرف دیگر نشان دهنده ی شیوه های زندگی اجتماعی، فرهنگی و استفاده کنندگان از این آثار می باشد. با توجه به سلسله مراتب طبقاتی در دوران گذشته، هر طبقه ای برای رفع نیازهای خود از این آثار استفاده می کرد.

فعالیت ۵

با توجه به روابطی که میان ایران با یونان و روم در دوران باستان وجود داشته است، استدلال کنید که چرا یک مورخ و محقق نباید تمام نوشته های مورخان یونانی و رومی درباره ی ایران را بی چون و چرا بپذیرد؟ از آن جایی که همواره بین دولت های یونان و روم و ایران رقابت های سیاسی و نظامی و اقتصادی وجود داشت و گاهی این رقابت ها منجر به جنگ می شد. مورخان یونانی و رومی همواره تحت تاثیر این رقابت ها و جنگ ها و تعصبات قومی و نژادی، در نوشته های خود به صورت یک جانبه که اصل بی طرفی و صداقت در آن رعایت نمی شد، با اغراق گویی و افسانه سرایی علیه ایران دست به قلم می شدند و بسیاری از وقایع و حوادث را به نفع خود می نوشتند. از این رو نمی توان تمامی نوشته های آنان در مورد ایران را بی چون و چرا پذیرفت.

فعالیت ۶

به پنج گروه تقسیم شوید و با راهنمایی دبیر خود، هر گروه پنج منبع دست دوم یکی از دوران های زیر را شناسایی و در چند سطر معرفی نماید:

الف- دوران پیش از تاریخ ایران:

۱. شهمیرزادی، صادق ملک. (۱۳۷۸). ایران در پیش از تاریخ، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۲. سید سجادی.م. (۱۳۸۴)، نخستین شهر های فلات ایران، تهران، سمت.
۳. گیرشمن، رومن. (۱۳۷۵). چغازنبیل، ج ۲، (ترجمه اصغر کریمی) تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۴. نگهبان، عزت الله. (۱۳۷۲). حفاری دشت هفت تپه خوزستان، تهران، علمی و فرهنگی
۵. نگهبان، عزت الله. (۱۳۷۵). شوش یا کهن ترین مرکز شهر نشینی جهان، تهران، میراث فرهنگی..

ب- دوران ایلام و ماد:

۱. آمیه، پیر (۱۳۸۱). تاریخ عیلام (ترجمه شیرین بیانی)، تهران: دانشگاه تهران.
۲. پاتس. دنیل (۱۳۹۱). باستان شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، تهران، سمت.
۳. خنجی، محمد. (بی تا). بررسی تاریخ ماد، تهران: حکمت.
۴. کامرون، جورج. (۱۳۷۴). ایران در سپیده دم تاریخ، (ترجمه حسن انوشه)، تهران: علمی و فرهنگی.
۵. دیاکونوف، ایگور میخائیل (۱۳۷۷) تاریخ ماد، (ترجمه کریم کشاورز) تهران: علمی و فرهنگی.

پ- دوران هخامنشیان:

۱. اومستد، ا.ت. (۱۳۷۲). تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، (ترجمه محمد مقدم)، تهران: امیرکبیر.
۲. احتشام، محمد. (۱۳۵۵). ایران در زمان هخامنشیان، تهران: حبیبی.
۳. بریان، پیر، (۱۳۷۹). تاریخ امپراتوری هخامنشی از کورش تا اسکندر، (ترجمه مهدی سمسار)، تهران: زریاب، ج ۲.
۴. بیانی، شیرین. (۱۳۸۱). تاریخ ایران باستان از ورود آریایی ها تا پایان هخامنشیان، تهران: سمت، چاپ اول.
۵. خدادادیان، اردشیر. (۱۳۷۸). هخامنشی ها، تهران: به دید.

ت- دوران اشکانیان:

۱. دیاکونوف، میخائیل. میخائیل. (۱۳۷۸). اشکانیان، (ترجمه کریم کشاورز) تهران: پیام.
۲. خدادادیان، اردشیر. (۱۳۸۰) اشکانیان، تهران، به دید.
۳. کالج، مالکوم. (۱۳۷۴)، تاریخ اجتماعی پارتیان، (ترجمه مسعود رجب نیا) تهران: دنیای کتاب.
۴. وورستندیک، آ. (۱۳۸۶). تاریخ امپراتوری اشکانیان، ترجمه محمود بهفروزی، تهران، جامی.

۵. پیگولوسکایا، نینا (۱۳۶۷) شهر های ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، (ترجمه عنایت اله رضای، تهران: علمی و فرهنگی .
ث- دوران ساسانیان:

۱. دریایی، تورج. (۱۳۸۳). شاهنشاهی ساسانی، (ترجمه: مرتضی ثاقب فر)، تهران : ققنوس.
۲. کریستنسن. آرتور. (۱۳۷۷) ایران در زمان ساسانیان، (ترجمه: رشید یاسمی) تهران: دنیای کتاب.
۳. لوکونین، ولادیمیر. (۱۳۷۲) تمدن ایران ساسانیان (ترجمه عنایت الله رضا) تهران، علمی و فرهنگی.
۴. یار شاطر احسان. (۱۳۷۷)، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی ، ج ۳، قسمت دوم (ترجمه حسن انوشه) تهران: امیر کبیر .
۵. رجبی ، پرویز ، (۱۳۸۷) ، هزاره های گمشده (ساسانیان) ، ج ۵ ، تهران ، توس ، چاپ سوم .

درس ۸

فعالیت ۱

نقشه محوطه های باستانی در صفحه ۷۱ را با نقشه کنونی پراکندگی روستاها و شهرها در ایران مقایسه کنید و بگویید:

الف) چه نسبتی میان پراکندگی محوطه های باستانی، با پراکندگی روستاها و شهرها در زمان حال وجود دارد؟ به دلیل فقدان آب و خاک حاصلخیز در دوره ی پیش از تاریخ در همه ی نقاط ایران و مسائل امنیتی، همه ی محوطه های باستانی در کنار یا نزدیکی منابع آب و خاک و در میان کوه ها یا جلگه های حاصلخیز شکل می گرفتند تا ساکنان بتوانند به کار کشاورزی و دامداری بپردازند. اما امروزه به دلیل پیشرفت هایی که بشر در زمینه های مختلف دارد، این محدودیت ها از بین رفت و در اکثر مناطق، روستاها و شهرها شکل گرفته اند.

ب) عوامل جغرافیایی و به ویژه آب و هوا، چه نقشی در پراکندگی محوطه های باستانی داشته است؟ در میان عوامل جغرافیایی تأثیرگذار بر زندگی انسانی، نقش آب و هوا از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با نگاهی به نقشه های محوطه های تاریخی، درمی یابیم که محوطه های تاریخی بیشتر در مناطق معتدل قرار دارند و از سویی مناطقی که وضعیت نامساعد جغرافیایی و آب وهوایی دارند، خالی از سکنه باقی مانده اند؛ زیرا انسان همواره از گرمای شدید و طاقت فرسا و سرمای خشن و گزنده گریزان است. هانتینگتن، جغرافیدان آمریکایی معتقد است، در بین عوامل طبیعی مؤثر بر زندگی انسان، شرایط آب و هوا در رشد و شکوفایی تمدن ها نقش اساسی و مهم ایفا کرده است.

پ) سکونتگاه های باستانی استان محل زندگی و یا یکی از استان های هم جوار خود را بر روی نقشه مشخص نمایید. پاسخ بر عهده دانش آموزان است. به عنوان مثال خوزستان: چغابنوت، چغامیش، غار پیده و تپه تولایی.

فعالیت ۲

تصویر ابزارهای سنگی صفحه قبل را به دقت ملاحظه کنید و بگویید ابزارهای هر دوره چه تغییری کرده اند؟ به نظر شما علت این تغییر چه بوده است؟ با توجه به پیشرفت بشر در زندگی، ادوات سنگی مورد استفاده ی انسان در هر دوره ای نسبت به دوره ی قبل از نظر تنوع، شکل و کار آمدی تغییرات زیادی می کرد. این تغییرات ناشی از رشد فکری انسان و افزایش نیاز های انسان در زندگی برای مواجه با طبیعت بود.

فعالیت ۳

به تصاویر ظروف سفالی بالا و نیز تصاویر دیگری از ظروف سفالی دوره پیش از تاریخ که دبیر محترم به شما نشان می دهد به دقت توجه کنید و بگو یید:

الف) چه نوع تصاویری بر روی ظروف سفالی نقاشی شده است؟ تصاویر حیوانات ، گیاهان ، پرندگان، اشکال هندسی

ب) این تصاویر از چه جهاتی به باستان شناسان در تحلیل زندگی مردمان پیش از تاریخ کمک می کند؟

۱. تاریخ گذاری نسبی محوطه های باستانی با استفاده از نوع سفال و با توجه به خمیر سفال (جنس)، رنگ و نقش سفال.
۲. می توان لایحه های فرهنگی و استقرار در یک محوطه را تفکیک کرد.
۳. مقایسه ی فرهنگی محوطه های تاریخی.
۴. شناسایی آداب و رسوم، مذهب، اساطیر، نوع لباس، ابزار و آلات، رسومات (نوع تدفین) و به پرستش خدایان پی برد.

فعالیت ۴

الف) با راهنمایی دبیر خود، تحقیق کنید که چرا شهر سوخته به این نام معروف شده است. اولین باستان شناسان وقتی از این منطقه بازدید کردند مشاهده کردند که یک سطح وسیع خاکستر وجود دارد و به آن شهر سوخته گفتند. پس اولین لقبی که به آن دادند، شهر سوخته بود.

ب) مشهورترین کشفیات باستان شناسی این شهر چه بوده است؟ ۱. اولین چشم مصنوعی کشف شده جهان در شهر سوخته پیدا شده است. این چشم مصنوعی متعلق به ۴۸۰۰ سال پیش بوده و به زنی ۲۵ تا ۳۰ ساله تعلق داشته است.

۲. یکی شگفت انگیزترین یافته های این شهر، پیدایی نشانه های کهن ترین جراحی مغز در آن است. در شهر سوخته جمجمه ای از دختر دوازده یا سیزده ساله که در ۴۸۰۰ سال پیش، پزشکان آن دیار برای درمان بیماری هیدروسفالی (جمع شدن مایع در جمجمه) بخشی از استخوان جمجمه او را برداشته و جراحی کرده بودند پیدا شده است.

۳. در کاوش های انجام شده در شهر سوخته یک خط کش ساخته شده از چوب آبنوس کشف شده که ۱۰ سانتیمتر طول دارد.

۴. از گور باستانی موسوم به شماره ۷۶۱ کهن ترین تخته نرد جهان به همراه ۶۰ مهره پیدا شده است. این تخته نرد بسیار قدیمی تر از تخته نردی است که در گورستان سلطنتی «اور» در بین النهرین پیدا شده بود.

۵. باستان شناسان هنگام کاوش در گوری ۵ هزار ساله جامی را پیدا کردند که نقش یک بز همراه با یک درخت روی آن دیده می شود. آن ها پس از بررسی این شی دریافتند نقش موجود بر آن برخلاف دیگر آثار به دست آمده از محوطه های تاریخی شهر سوخته، تکراری هدفمند دارد، به گونه ای که حرکت بز به سوی درخت را نشان می دهد و مانند انیمیشن است.

۶. در شهر سوخته کوچه ها و خانه های منظم و لوله کشی آب و فاضلاب با لوله های سفالی پیدا شده که نشان دهنده وجود برنامه ریزی مدنی در شهر سوخته سیستان است.

پ) تصویر بالا کدام بخش از بخش های پنج گانه ی شهر سوخته را نشان می دهد؟ گورستان ها و یادمان ها.

فعالیت ۵

شهرهای قلمرو ایلام را با توجه به نقشه ی صفحه ی ۷۶ فهرست نمایید. سیمشکی، مدکتور (مداکتو)، چغازنبیل، دژتل اسپید، لیان و انشان.

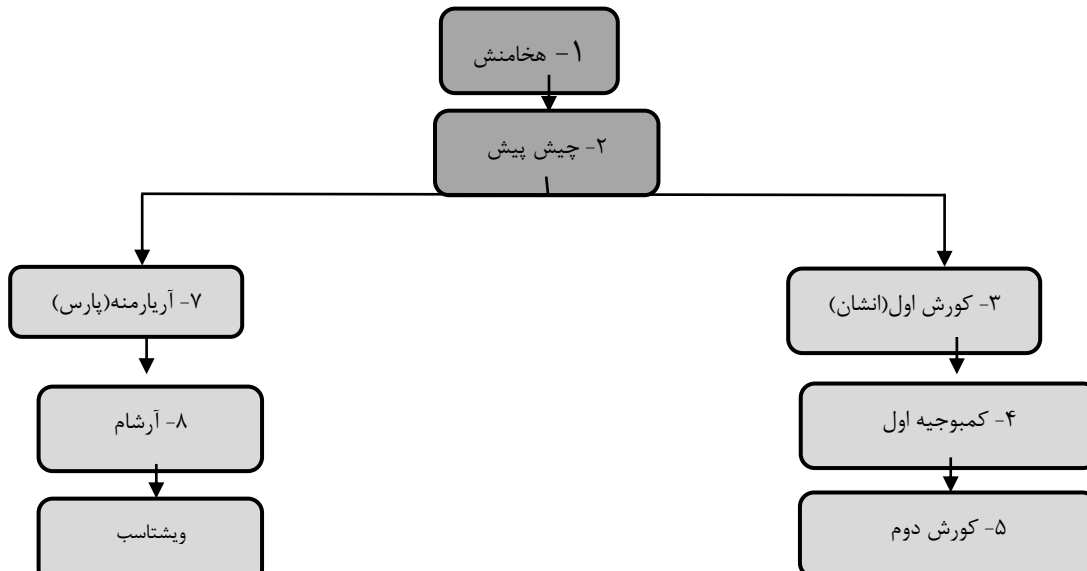
درس ۹

فعالیت ۱

الف) مآخذ متن های شماره ی ۱ و ۲، جزو منابع دست اول تاریخ ایران باستان است یا منابع دست دوم؟ چرا

منابع دست اول شامل گزارش شاهدان عینی از رخداد های تاریخی است که توسط یک مشاهده گر یا کسی که در آن رخداد شرکت کرده است، می باشد. کورش بزرگ و داریوش یکم به عنوان افراد اصلی شرکت کننده در این وقایع محسوب می شوند که شرح این وقایع را به صورت فرمان، اعلامیه شجره نامه و ... صادر کرده اند و به صورت مکتوب در آورده اند.

ب) با توجه به متن های صفحه قبل، شجره نامه ی کورش و داریوش هخامنشی را کامل کنید.



۹- داریوش اول اول

۶- کمبوجیه دوم

ف ت ا ل ی ت ۲

متن های زیر را بخوانید و احساس و درک خود را از شخصیت و اندیشه ی آشوربانیپال و کورش بزرگ در چند سطر بنویسید. با توجه به سنگ نوشته ی آشور بانیپال می توان مطالب زیر را از آن استنباط کرد: ۱- سنت نظامی گری مبتنی بر خشونت سازمان یافته در جهان باستان ۲- غارت و غنیمت گرفتن همه ی اموال شکست خوردگان ۳- حمله به دین اقوام مغلوب و از اعتبار انداختن معابد بزرگ ۴- تخریب و نابودی فیزیکی شهرها و مناطق متصرفی ۵- تبعید گسترده اقوام مغلوب با هدف از بین بردن نیروی نظامی و هویت فرهنگی آن ها ۶- کشتار اقوام های مغلوب.

اما کوروش، نخستین کسی بود که در این سیاست های جا افتاده تجدید نظر کرد. یکی از تمایزهای اصلی وی با فرمانروایان پیشین و پسین، آن بود که از هیچ یک از این شیوه ها بهره نبرد و سنتی بر مبنای پرهیز از این شیوه ها را بنیان نهاد. کوروش در قبال قوم ها و جمعیت های تابع خویش، سیاستی را در پیش گرفت که کاملاً واژگونه ی این شیوه ی مرسوم سرکوب بود. او در هیچ موردی دست به کشتار جمعیت غیرنظامی نزد. کوروش با پذیرش حد و مرزهای طبیعی میان قوم ها و سازماندهی ایشان در قالب استان ها، یکی از پیش فرض های اصلی آشوریان را نقض کرد و آن تکه تکه کردن واحدهای بزرگ سیاسی بود که ممکن بود مدعی استقلال شوند. سیاست تبعید قوم های مغلوب در عصر او متوقف شد و مردم بومی نه تنها تبعید نمی شدند بلکه بر هویت محلی و قومی شان تأکید می - شد. کورش برعکس آشوریان، بر هویت مستقل دین ها و ارتباط شان با قومیت های متمایز تأکید کرد و احترام به آن ها را در کل قلمرویش ضروری دانست. مرور جنگ های کوروش نشان می دهد که او از هر فرصتی برای دستیابی به صلح و پرهیز از خونریزی استفاده می کرده است و استفاده ی ماهرانه اش از تبلیغات جنگی و جلب قلوب مردم سرزمین های مغلوب نیز در همین راستا بوده است.

ف ت ا ل ی ت ۳

با توجه به مطالبی که در درس ۶ راجع به دولت شهرهای یونانی خواندید، درباره ی علل و عوامل جنگ های یونان و ایران در دوره ی هخامنشیان با هم گفت و گو کنید. ۱- داریوش به فکر اقتدار و عظمت دولت هخامنشی بود و خود را فرمانروای مقتدر می دانست که می خواست یونانیان به او اظهار بندگی و اطاعت نمایند. اشرافیت پارس نیز می کوشیدند، همسایگان خود را مطیع ساخته و مورد بهره کشی قرار دهند. توسعه طلبی پارس در عین حال از سوی بازرگانان شرق مدیترانه به ویژه در فنیقیه حمایت می شد. ۲- در شورش شهرهای آسیای صغیر علیه داریوش و به آتش کشیده شدن شهر سارد، آتنی ها دست داشتند و حتی در این قضیه مشارکت کرده اند. به دنبال شورش و استیلا یافتن یونانی ها بر شهر سارد، داریوش چنان غضبناک شد که بنابر روایت هرودوت فرمان داد که همیشه اوقات در موقع صرف غذا یک نفر از خوانسالاران به او یادآوری کند و فریاد بزند «خداوند گارا از یاد آتنی ها غافل نباش». ۳- از عوامل مؤثر دیگر تشویق و تحریک یونانی های فراری در ایران است که با بررسی منابع موجود چنین استنباط می شود که یونانی های فراری و تبعیدی در ایران حتی بیشتر از خود پارسیان، داریوش را تشویق به جنگ با یونان می کرده اند. نمونه آن هیپاس جبار آتن بود که به ارتافرن والی لیدی پناهنده شد و همه قسم وسایل را برانگیخت تا ارتافرن را بر ضد آتن تحریک کند و بدین منوال آنجا را تابع داریوش و بار دیگر زیر دست خود سازد. ۳- یونانیان دست از تحریکات در جزیره قبرس و دیگر جزایر تابع ایران نیز نمی کشیدند و گهگاهی مشکلاتی برای شاهنشاه ایران فراهم می کردند که این مساله باعث خشمگین شدن و تحریک داریوش برای لشکر کشی به یونان شد. ۴- داریوش نگران بود که مبادا از بستر یونان و مستعمرات آن یک امپراتوری به وجود آید و یا میان آن ها پیمانی بسته شود و تسلط ایران را بر غرب آسیا به خطر اندازد.

ف ت ا ل ی ت ۴

الف) منظور نویسنده از اصطلاح اسلحه ی طلائی چیست؟ در جریان جنگ های پلوپونزی، دربار هخامنشی که به نقطه ی ضعف یونانیان پی برده بود، تلاش می کرد با توسل به دیپلماسی طلا و رشوه اختلافات یونانیان را توسعه داده و با سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن»، جنگ را تا حد نابودی و تضعیف بیش از پیش طرفین به درازا بکشد و مانع ایجاد اتحادیه ی ضد ایرانی شود. این رشوه و پول های پرداختی از سوی دولت ایران به تعبیر دکتر زرین کوب «اسلحه طلائی» نامیده شد.

ب) به نظر شما چرا با وجود حمایت حکومت هخامنشی از اسپارت در جنگ های پلوپونزی، ایرانیان نمی خواستند این جنگ ها غالب و مغلوبی داشته باشند؟ درگیری یونانیان با یکدیگر بهترین فرصت مداخله مستمر ایران در یونان بود. دولت های آتن و اسپارت در حین جنگ سفرایی جداگانه

برای جلب مساعدت و دریافت کمک های مالی و نظامی، روانه ی دربار ایران می کردند. دربار ایران که هدف نهایی اش تضعیف هر دو جبهه بود با سیاست خردمندانه و بازی های سیاسی ماهرانه، به ادامه ی جنگ که متضمن منافع امپراتوری ایران بود، کمک می کرد. حاصل این سیاست موازنه آن شد که اشتغال حریفان در منازعات پلوپونز، به ایران فرصت داد تا شهرهای یونانی آسیای صغیر را دوباره به انقیاد خویش در آورد، پادشاهان ایرانی را در آنجا مستقر سازد و حتی مالیات های معوق را بازستاند. سیاست خارجی دولت هخامنشی در این زمان بر این قرار گرفته بود که تا حد ممکن، دو حریف یونانی جنگ های داخلی را ادامه دهند و چنان ضعیف شوند که نتوانند منافع ایران را در آسیای صغیر و سایر مستعمرات، تهدید کنند. بر این اساس، سیاستمداران ایرانی تلاش می کردند، نوعی موازنه و تعادل قوا را بین طرفین جنگ حفظ کنند و به نحوی به آنان کمک برسانند که بر یکدیگر چیره نشوند و غالب و مغلوب هم نشوند و با یاری یا عدم یاری طرفین جنگ در زمان مناسب، موجبات استمرار جنگ فرسایشی را فراهم کنند.

فعالیت ۵

با استفاده از جدول شاهان هخامنشی که دبیر محترم در اختیار شما قرار می دهد، نمودار خط زمان دوران هخامنشی را ترسیم نمایید.

داریوش سوم	اردشیر سوم	اردشیر دوم	داریوش دوم	اردشیر اول	خشایارشا	سلطنت داریوش یکم	سلطنت	
۳۳۸ (ق.م)	۳۵۹ (ق.م)	۴۰۵ (ق.م)	۴۲۴ (ق.م)	۴۶۴ (ق.م)	۴۸۶ (ق.م)	۵۲۱ (ق.م)	۵۲۹ (ق.م)	۵۵۰ (ق.م)

درس ۱۰

فعالیت ۱

با توجه به مطالب درس، توضیح دهید که تغییر پایتخت های اشکانی چه ارتباطی با رویدادها و تحولات سیاسی و نظامی داشته است؟ با توجه به خاستگاه اولیه اشکانیان در شرق، اولین مرکز استقرار اشکانیان در سال ۲۵۰ ق.م نسا و با گسترش مرزها به طرف غرب شهر دارا و به ترتیب شهر هکاتوم پلیس و بعدها سلوکیه در نزدیکی بغداد قرار گرفت. دلیل انتخاب سلوکیه قرار داشتن در قلب بین النهرین به سبب وجود پایگاه اولیه تمدنی یا مرکز یا دنیای باستان بوده است.

فعالیت ۲

با مقایسه ی نقشه های قلمرو هخامنشیان و اشکانیان، بگویید: محدوده ی جغرافیایی سلسله های مذکور چه تفاوت هایی دارند؟ با توجه به نقشه ی صفحه ۸۵ باید گفت که محدوده قلمرو هخامنشی در شرق از ایالات باختر، زرننگ، مکران و شمال هندوستان آغاز و در غرب به سواحل شرقی و شمالی دریای مدیترانه و شرق و قسمت های شمالی افریقا (مصر) محدود می شد. از جنوب نیز از دریای مکران (عمان) و سواحل جنوب غربی خلیج فارس آغاز و در شمال به دریاچه ی آرال و دریای سیاه محدود می شد که بزرگترین قلمرو یک دولت در تاریخ ایران محسوب می شود. اما تصرف ایران توسط اسکندر و تسلط کوتاه مدت سلوکیان بر ایران باعث گردید که سلطه ی دولت آینده یعنی اشکانیان، بر این قلمرو محدودتر شود. تشکیل دولت باختر یا باکتریا در شرق، قسمت های زیادی از این قلمرو را از اشکانیان گرفت. تشکیل دولت های شمال هند نیز این سرزمین را از تصرف ایران خارج کرد. در جنوب شرق نیز سواحل دریای مکران از ایران جدا شد. در غرب نیز سلطه ی اشکانیان با توجه به نفوذ رومیان، به آسیای صغیر محدود شد و مصر نیز زیر سلطه ی دولت بطالسه درآمد. ولی بین النهرین همچنان در دست اشکانیان باقی ماند. در شمال شرقی نیز قلمرو ایران محدود شد و خوارزم از زیر سلطه ایران بیرون آمد، اما مرزهای شمال غربی ایران چندان تغییری نکرد.

فعالیت ۳

با راهنمایی دبیر محترم، درباره ی این موضوع که چرا از زمان هخامنشیان تا پایان دوره ی ساسانیان همواره پایتخت سیاسی ایران در سرزمین های بین النهرین قرار داشته است، با هم گفت و گو کنید. ۱- بین النهرین یا همان میان رودان خاستگاه اولیه تمدن و مذاهب اصلی جهان بوده است و هر دولت یا حکومت با تسلط بر این منطقه هم از لحاظ سیاسی و تمدنی و هم از لحاظ مذهبی، دلیلی برای مشروعیت نظام خود می دانستند ۲- اگر تورقی در منابع تاریخی صورت گیرد این حوزه، هسته اولیه تمدن و قلب دنیای باستان بوده است و تمامی علوم اولیه بشری و تمامی مذاهب اولیه جهان از حوزه برخاسته است. ۳- این منطقه از زمان دور به عنوان خاستگاه و پایگاه اصلی تجارت جهان بوده است. ۴- نفوذ رومیان و قدرت یابی آن ها و تهدیدی که برای دولت های اشکانیان و ساسانیان داشتند باعث می شد که این دولت ها برای مقابله با توسعه طلبی رومی ها، همیشه در مناطق غربی و بین النهرین در آمادگی کامل به سر ببرند.

فقالیت ۵

الف) به نظر شما، مطالب این سنگ نوشته(شاپور یکم در نقش رستم) چه اهمیت و ارزشی برای مورخان و پژوهشگران دارد؟ به عنوان یکی از مهم ترین منبع نوشتاری ایرانی دوره ساسانی به شمار می رود و تاریخ سیاسی این دوره را بیان می کند. این سنگ نوشته بسیاری از کارهای شاپور اول را بیان می کند و نشانه هایی از تشکیلات اداری و دیوانی و همچنین حدود متصرفات شاپور اول را به دست می دهد. علاوه بر این از نظر آشنایی با اسامی مکان و نام های خاص روزگار ساسانی بسیار مفید است.

ب) محتوای این سنگ نوشته در کدام گروه از منابع تاریخی (دست اول یا دست دوم) طبقه بندی می شود؟ چرا؟ محتوای این سنگ نوشته در ردیف منابع دست اول می باشد. زیرا این گزارش توسط خود شاپور یکم در همان زمان به نگارش در آمده است.

فقالیت ۶

الف با راهنمایی دبیر محترم و با توجه به مطالبی که در در سهای ۹ و ۱۰ خوانده اید، درباره ی قدرت سیاسی نظامی ایران در دوران ساسانیان در جهان آن روز، گفت وگو نمایید. نظام حکومتی متمرکز ساسانی، دارای قدرت نظامی و ایدئولوژیک فوق العاده ای بود. دوام زمانی حکومت و برخورداری از ثروت و قدرت و تسلط بر بخش های شرقی و غربی حکومت فرا مرزی خودش، قدرت و استیلای سیاسی و نظامی این دولت را افزایش داد.

درس ۱۱

فقالیت ۱

الف) درباره ی اهداف و انگیزه ی شاهان هخامنشی از طرح چنین ادعاهایی، با یکدیگر در کلاس گفت و گو کنید. این گفته ها مبین آن است که پادشاهی، عطیه ای الهی است و تنها به خواست اهورامزدا است که کسی می تواند پادشاه باشد و فرمانروایی کند. اهورامزدا سر چشمه ی قدرت و شوکت پادشاهی می باشد و این اعتقادات باعث می شد که ایرانیان آن روزگار وجود پادشاه را مقدس بدانند و دستورات و سخنانش را قانون محسوب بدانند. «از سوی دیگر این اعتقاد، این عکس العمل را پیش می آورد که اطاعت از فرمان های شاهی ارزش مذهبی خاصی دارد و با اطاعت از قانون الهی یکی می شد و منصب یافتن داریوش توسط اهورامزدا، مسأله تقدس قدرت شاهی را در مذهب نشان می دهد». حقوق و امتیازاتی که شاه ایران از آن برخوردار بود از این امر سرچشمه می گرفت که سلطنتش موهبتی الهی بود که از طرف اهورامزدا به او تفویض می شد.

ب) تحقیق کنید که فره ایزدی یا فرّ کیانی در ایران باستان چه مفهومی داشته و ارتباط آن با ادعای اعطای مقام شاهی از سوی اهوره مزدا به شاهان هخامنشی، چه بوده است. این واژه در فارسی باستان فره یا فر، در اوستا خورنه، در پهلوی فر یا خوره و در فارسی به صور فر، فره، خوره یا خره آمده است. در فارسی امروزی معنی شوکت و شکوه و مفاهیمی مترادف این معانی را دارد. در آغاز چنین پنداشته می شد که فره ودیعه ای است که فقط مخصوص فرمانروایان بر حق ایران است در حالی که چنین نیست، همه ی مردان فره ایزدی دریافت می کنند و بر اثر نیروی معجزه آسای آن است که می توانند وظایف شان را درست به جای آورند. فره را معمولاً مبنای حقانیت و مشروعیت شاهان ایران باستان دانسته اند. دارنده ی فره برگزیده ی خداست و یکی از مهم ترین شرایط پادشاهی فره ایزدی است که بدون این شرط، شرایط دیگر کفایت نمی کند. تا زمانی که فره ایزدی با فرمانروایان باشد پیروزی با آنان است و به مجرد اینکه از آنان بگریزد، بخت از آنان دور می شود. نماد فره به صورت پرنده، نور، آتش، آسمان و خورشید تجسم می شود.

در اندیشه ی ایران شهری، پادشاه فرهمند، لزوماً پادشاه دادگر و عادل خواهد بود؛ زیرا فرهمندی با دادگری تلازم عینی دارد، چنان که اگر خاصیت دادگری از پادشاه سلب شود، فره از او دور می شود و جدا می افتد و در نظر و عمل، پادشاهی را از دست خواهد داد. از طرف دیگر به این علت که شخص شاه وارث مستقیم کشور بود، عنوان پدر ملت داشت، در نتیجه فره (خورنه) یعنی شکوه و جلال شاهی در شخص شاه موجود بود و این مانند هاله ی افتخار شمرده می شد که همیشه همراه پادشاهان آریایی بوده و نشانه آن دانسته شده که این شاهان در آسمان در کنار خدا، جای دارند.

فقالیت ۳

با یکدیگر هم فکری کنید و پاسخ دهید:

الف) چرا در دوران هخامنشیان مأموران اداره ی بازرسی و نظارت، به عنوان چشم و گوش شاه شناخته می شدند؟

این گروه موظف بودند که هر چند وقت یک بار دستگاه های اداری استان ها را بازرسی کنند و نتیجه ی مطالعات خود را به عرض شاه برسانند. شاه به وسیله ی چنین سازمانی همیشه در جریان امور کشوری و لشکری قرار می گرفت. این گروه حتی به جزئیات امور روزانه ی افراد رسیدگی می کردند. این ها از محرم

ترین ملترمان شاه بودند و حتی در جنگ ها حفظ و حراست از شاه را بر عهده داشتند. در لفظ باستان به چشم شاه، اسپرکان (سپک) و گوش شاه را گاوشکان (گوشکه) می گفتند. یونانیان آن ها را افدالموس بازیلئوس و بازیلئوس اوتا می گفتند.

ب) در زمان کنونی چه نهادها یا وزارت خانه هایی، تقریباً همان وظایفی را انجام می دهند که در آن زمان، مأموران برید انجام می دادند؟ وزارت ارتباطات، وزارت اطلاعات، سازمان بازرسی کشور

فعالیت ۳

با توجه به شیوه ی حکومت اشکانیان، دلیل بیاورید که چرا تشکیلات اداری (دیوان سالاری) در دوران آنان، به گستردگی تشکیلات اداری دوران هخامنشیان و ساسانیان نبود؟ ۱- در دوران اشکانی بیشتر امور در دست دو مجلسی بود که در متن درس به آن ها اشاره شده است. در یکی از این مجالس، شاهزادگان، بزرگان درباری و نمایندگان هفت خاندان بزرگ؛ و در دیگری پیشوایان دینی یا مغان حضور می یافتند. که در تصمیم گیری های اصلی مملکتی نقش عمده ای ایفا می کردند و به دیگران اجازه ورود به مسائل مملکتی را نمی دادند و بنابراین اجازه تاسیس و تشکیل نهاد دیگری که قدرت آن ها را محدود کند را نمی دادند. ۲- اشکانیان قومی صحراگرد بودند و آشنایی چندانی با روش ها و شیوه های کشورداری نداشتند و خیلی از مشکلات خود را از طریق همان آداب و رسوم قبیله ای که نیاز چندانی به تشکیلات اداری نداشت، انجام می دادند. ۳- شیوه ی حکومت اشکانیان بر خلاف هخامنشیان و ساسانیان که متمرکز بود و برای اداره ی کشور نیاز به تشکیلات اداری گسترده ای تحت حاکمیت مرکز داشتند، شیوه ای ملوک الطوائفی بود و در این شیوه ی حکومت، شاهان ایالات، خود برای اداره ی ایالت تحت سلطه شان، قانون وضع می کردند و از حکومت مرکزی پیروی نمی کردند. بنابراین نیاز چندانی به تشکیلات اداری در آن دوران وجود نداشت.

فعالیت ۴

با راهنمایی دبیر خود، سه مورد دیگر از نقش برجسته های دوران ساسانی با موضوع دریافت تاج و حلقه ی شاهی از اهوره مزدا را جست و جو کنید و تصویر آن ها را در کلاس نمایش دهید. ۱- نقش تاج بخشی اهورامزدا به اردشیر دوم در طاق بستان ۲- نقش تاج بخشی اهورا مزدا به اردشیر اول در فیروزآباد ۳- نقش تاج بخشی اهورامزدا به اردشیر اول در نقش رجب ۴- نقش تاج بخشی اهورامزدا به هرمز اول در نقش رجب ۵- نقش تاج بخشی اهورامزدا و آناهیتا به خسرو پرویز در طاق بستان.

فعالیت ۵

با راهنمایی دبیر خود، سنگ نوشته های داریوش یکم را بررسی نمایید و نکته های مربوط به عدالت و قضاوت را از آن ها استخراج و فهرست کنید. واژه ای که داریوش در سنگ نوشته های خود برای قانون به کار می برد «دات» می باشد. داریوش در کتیبه ی بیستون عدالت و راستی را زیاد مطرح می کند. و در مقابل راستی، دروغ یا دروغ را به کار می برد که عامل همه ی آشوب ها و هرج و مرج های اوایل پادشاهی اش می باشد. شورشیان به علت گرایش به دروغ تنبیه شدند و همدستان داریوش در قتل گئومات به علت مبارزه با دروغ از سوی داریوش به نیکی یاد می شوند. گفته های داریوش در کتیبه ی بیستون این نکته را می رساند که شاه در درجه ی نهایی رسیدگی به احکام قرار داشت و احکام نهایی توسط وی صادر می شد. این نکته با توجه به فرمان هایی که داریوش در مورد سران شورش صادر می کرد، ثابت می شود؛ زیرا تمام سران شورش بدون هیچ گونه محاکمه ای مستقیماً به دستور داریوش اعدام می شدند. آن چه برای داریوش در رابطه با شورشیان اهمیت داشت، مساله عدالت بود که این نکته در کتیبه ی بیستون با صفاتی چون دروغ زن نبودم، متجاوز نبودم، بنا بر حق رفتار کردم و نه بر ضعیف و نه بر توانا زور نورزیدم، مشخص می شود. در مورد مجازات ها با توجه به کتیبه ی بیستون می توان به بریدن بینی، گوش ها، زبان و کندن چشم ها و حتی کندن پوست اشاره کرد. و بعد شورشیان را در جایی که دست به شورش می کردند، به دار می آویختند تا برای مردم درس عبرت باشد.

درس ۱۲

فعالیت ۱

الف) نمودار هرم اجتماعی ایران را در دوران هخامنشیان و ساسانیان به دقت ملاحظه فرمایید و تفاوت ها و شباهت های آن ها را بیان کنید. قبل از بیان شباهت ها و تفاوت های هرم اجتماعی هخامنشیان و ساسانیان لازم است برای روشن شدن بهتر بحث، مطالبی بیان شود: اگرچه ساختار اجتماعی ایران در روزگار ساسانیان نظم و تکام یافت و در طول عمر آن حکومت، وقوع تحولات در ساختار سیاسی، اجتماعی و اداری، به دگرگونی و تحول در روابط اقشار اجتماعی منجر شد. لیکن نظام طبقاتی و تفکیک جامعه به چند طبقه تا قبل از قرن ششم میلادی بر اساس متون سنتی و مذهبی، سه قشر

روحانیان، جنگاوران و کشاورزان بودند که از سوی دولت و نهاد مذهبی رسمیت یافتند. جمعیت در دوره ی هخامنشی عمدتاً در روستا زندگی می کردند که با گذشت زمان و تحقق برنامه شهر سازی ساسانیان، جمعیت بیشتری در شهرهای جدید و قدیم ساکن شدند. ساسانیان با پی ریزی «ایران شهر»، هنجارهای اوستایی و نیز ساختار طبقاتی آن را به جامعه درون فلات ایران انتقال دادند. با این حال، جامعه موجود، جامعه ایللیاتی و چادر نشین دوران کهن نبود و ویژگی هایی داشت که در دوران هخامنشی و سپس اشکانی پرورده شده و توسعه یافته بود. احداث شهرها، وجه مشخصه اصلی برنامه دولت ساسانی بود که پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خاصی در جامعه ایران داشت. به همین دلیل بایستی به شهر و سازمان های اجتماعی در شهرها بیش تر توجه کنیم تا تاریخ اجتماعی ایران را دریابیم.

دولت ساسانی از همان ابتدا بر اساس یک ساختار متمرکز بنا نهاده شد که در آن جامعه به صورت قشر بندی بود. ساختار متمرکز پادشاهان ساسانی با بهره گیری از نهادهای دیوانی سلسله های پیشین، در طی چند قرن توانست الگویی مناسب از شیوه حکومتی عرضه کند. در قرن ششم میلادی این تقسیم بندی متحول شد و دبیران به عنوان قشر جدید و برزگران و پیشه وران در ردیف دیگر اقشار قرار گرفتند؛ زیرا از آن پس امور دیوانی و غیره مذهبی که قبلاً در اختیار روحانیان بود، به دبیران سپرده شد و دیوان ها نقش محوری را در جامعه ی ساسانی ایفاء می کردند و امور تجاری و پیشه وری که وظیفه کشاورزان تلقی می شد از یکدیگر منفک شد.

شباهت ها: ۱- در راس هرم اجتماعی هر دو دوره شاه قرار داشت. ۲- صاحب منصبان عالی رتبه ی سیاسی و نظامی در هر دو دوره بعد از شاه قرار داشتند. ۳- توده ی مردم در دو دوره در طبقه ی پایین این ساختار قرار داشتند.

تفاوت ها: ۱- طبقه ی دوم در ساختار اجتماعی ساسانیان گسترده تر شد و مناصب جدیدی نسبت به دوره ی هخامنشی به آن اضافه گردید. ۲- در ساختار اجتماعی ساسانی طبقه ی سوم جدیدی با مناصب جدید شکل گرفت که در دوره ی هخامنشی از آن خبری نیست. مناصبی مانند دبیران، منجمان و ۳- توده ی مردم در دوره ی ساسانی به گروه های متفاوتی تقسیم شدند و تقسیم کار جدید بر اثر تحولات اجتماعی شکل گرفت.

ب) با توجه به مطالب درس ۱۱، صاحب منصبان عالی مرتبه ی دوران ساسانیان را ذکر نمایید. شامل خاندان شاهی، خاندان های قدیمی ، روحانیون زرتشتی، حاکمان ولایات و مقامات دولتی و نظامی می شدند.

فعا لیت ۲

الف) به نظر شما چرا موبدان از نظام طبقاتی تبعیض آمیز دوره ی ساسانی حمایت می کردند؟ زیرا روحانیان در صدد حفظ مناصب و موقعیت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خویش بودند. روحانیان به هنگام تاسیس دولت ساسانی به همراه خاندان های اشرافی شرکت داشتند و از این جهت اتحاد میان دین و دولت به موبدان در دستگاه دولت قدرت فراوانی بخشید و مبانی نفوذ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این طبقه را در اجتماع و حاکمیت زرتشتی افزایش داد. آنان مهر تایید به سلطنت پادشاه جدید می زدند و جزو شورای سلطنتی بودند و در عزل و نصب و جانشینی شاهان نقش اساسی و اصلی داشتند.

ب) دفاع موبدان از تبعیض ها و نابرابری های اجتماعی، چه تأثیری می توانست بر روابط مردم با آنان داشته باشد؟ باعث گردید مذهب انحصاری زرتشت، وحدت معنوی خود را از دست بدهد و کثرت رفتارهای مذهبی، مدیریت های انحصاری دولتی و جدایی طبقاتی، موجبات بی اعتمادی مردم ایران به دین و از بین رفتن وحدت مذهبی شد. با توجه به گسترش تفکر جبرگرایی و تقدیرگرایی و وجود ساختار اجتماعی طبقاتی در دوره ساسانی، زوال دیانت زرتشتی و عدم موفقیت موبدان در آرمان دهی به جامعه و به تبع آن فروپاشی درونی حکومت ساسانی را، قبل از هجوم گسترده اعراب مسلمان امری حتمی می نمود. به این نحو کشمکش های دینی و طبقاتی قبل از تنش های سیاسی و نظامی، استحکام جامعه ساسانی را در معرض خطر قرار داد. در حقیقت ضعف ایدئولوژیک و نارضایتی عامه از نظام دینی ساسانی، عامل اساسی برای حضور نیروهای اسلام در جامعه ساسانی بود.

فعا لیت ۴

به چند گروه تقسیم شوید و با راهنمایی دبیر خود، درباره ی زمان برگزاری و آداب و رسوم جشن های زیر، تحقیق کنید و گزارش آن را به صورت روزنامه ی دیواری در کلاس ارائه نمایید.

گاهنبارهای شش گانه: گاهنبار یا گاهبار در اسطوره های زرتشتی و آریایی آن شش روزی است که خدا دنیا را آفرید و در کتاب زند از زرتشت نقل می کنند که اهورامزدا دنیا را در شش «گاه» آفرید و اول هر گاهی نامی دارد و در اول هر گاهی جشنی سازند. همانطور که در دین های سامی، آفریدگار، جهان هستی را در شش روز می آفریند، در دین ایرانیان کهن نیز اهورامزدا آفرینش جهان مادی را در شش گاهنبار به انجام می رساند. به این ترتیب که در یسنا آمده است:

۱- میدیوزرم (Maidh-yo-zarem) - میانه بهار یا میانه فصل سبز - وقتی که سبزیجات تازه به فراوانی یافت می شود. این واژه در اوستا «میدیو»، به چم میان و «زرم» به چم بهار آمده است. این گهنبار که گاه آفرینش آسمان است، از روز خور تا دی بمهر ایزد یعنی روز یازدهم تا پانزدهم اردیبهشت ماه زرتشتی (دهم تا چهاردهم اردیبهشت ماه در گاهشماری رسمی) برپا می شود. زمان این گهنبار، زمان رشد و نمو گیاهان و رونق گرفتن کشاورزی است.

۲- میدیوشم (Maidh-yo-shema) - میانه تابستان - زمان رسیدن گندم و دیگر غلات. این واژه در اوستا «میدیو» به چم میان و «شمه» به چم تابستان و آمده است. این جشن در میان تابستان بزرگ ۷ ماهه قرار می گیرد و آن را با انقلاب تابستانی یکی گرفته اند. دومین گهنبار سال از خیر ایزد و ماه تیر آغاز شده و تا روز دی به مهر یعنی از یازدهمین تا پانزدهمین روز تیرماه زرتشتی (از هشتم تا دوازدهم تیر ماه در گاهشماری رسمی) ادامه دارد. در این گهنبار آب آفریده شده است. فاصله ی نخستین گهنبار سال تا این جشن ۶۰ روز است.

۳- پیتشه شهم (Paiti-shahem) - پایان تابستان - زمان برداشت میوه جات. این واژه در اوستا و در پهلوی آمده است. این گهنبار که گاه آفرینش زمین است، از روز اشتاد تا انارام ایزد یعنی بیست و ششمین روز تا سی امین روز شهریور ماه باستانی (بیست و یکم تا بیست و پنجم شهریور ماه در گاهشماری رسمی) برپا می شود. زمان این گهنبار آخر تابستان بزرگ است که برابر با آغاز مهر ماه کنونی است و هنگام برداشت محصول تابستانی و خرمن است. فاصله دومین گهنبار سال تا این جشن ۷۵ روز است.

۴- آیآثرم یا ایاسرم (Aya-threm) - آغاز فصل سرما - کاشت محصولات زمستانی. این گهنبار گاه آفرینش گیاهان است و از روز اشتاد تا انارام ایزد یعنی از روز بیست و ششم تا سی ام مهر ماه زرتشتی (بیستم تا بیست و پنجم مهر ماه در گاهشماری رسمی) برپا می شود. این گهنبار، با چهره پیشین ۳۰ روز فاصله دارد. ایاسرم گاه زمانی است که چوپانان با گله خود پیش از آمدن سرما از چراگاه های تابستانی به خانه باز می گردند.

۵- میدیارم (Maidh-ya-rem) - زمان استراحت کامل (میانه سال یعنی میانه زمستان). این گهنبار گاه آفرینش جانوران است و از روز مهر تا ورهرام ایزد از ماه دی یعنی از روز شانزدهم تا بیستم دی ماه زرتشتی (دهم تا چهاردهم دی ماه گاهشماری رسمی) برپا می شود. فاصله ی این گهنبار، با چهره پیشین ۸۰ روز است.

۶- همسپت مدم (Hamas-path-maedem) - شاید به چم «حرکت همه سپاه». برابری شب و روز یا برابری سرما و گرما (پایان زمستان و هنگام اعتدال بهاری) - آماده شدن برای باز زنده شدن طبیعت. این گهنبار که گاه آفرینش انسان است، از روز اهنود تا وهیشتوایش یعنی پنج روز پایان سال (بیست و پنجم تا بیست و نهم اسفند ماه گاهشماری رسمی) برپا می شود. این گهنبار ۷۵ روز پس از چهره پیشین برپا می شود. این ۵ روز را «پنجه بزرگ» نیز می نامند. زرتشتیان باور دارند که در این ۵ روز فروهرهای در گذشتگان برای سرکشی بازماندگان خود فرود می آیند.

مهرگان:

مقاله فرشته عبداللهی در مورد جشن مهرگان

در روز شمار کهن ایرانی، روز مهر (شانزدهم) از ماه مهر جشن مهرگان برپا می شد و تا بیست و یکم مهرماه به مدت پنج روز ادامه داشت. روز شانزدهم مهرگان کوچک و روز بیست و یکم (رام روز) مهرگان بزرگ معروف بوده است. مهرگان در نزد جنوبی ها از جشن نوروز باشکوه تر برگزار می شد عده ای معتقد بودند که سال از فصل سرد آغاز می شو و حتی در دوره ی هخامنشی مهرماه آغاز سال بوده است. اما آن چه مسلم است این جشن در بزرگداشت ایزد مهر برپا می شد که یکی از ایزدان آیین زرتشتی ست که مظهر، عقد و میثاق، راستی، بیداری، نظم، دلیری و راهنمای آدمیان در تاریکی ست. هم چنین یاری کننده ی کسانی می باشد که حقشان پایمال شده و کفر و سران مهر روز از ماه مهر فریدون بر بیوراسب یا اژدهاک (ضحاک) دست یافته او را در کوه دماوند به زندان افکند. آن روز را به یاد پایان فرمانروایی دشمن و آغاز پادشاهی فریدون جشن گرفتند. ابو ریحان بیرونی در مور مهرگان چنین نوشته است: «شانزدهم روز از مهرماه و نامش مهر و اندرین روز افریدون ظفر یافت بر بیوراسب جادو، آنک [آن که] معروف است به ضحاک و به کوه دماوند بازداشت و روزها که سپس مهرگان است، همه جشنند بر کردار آنچ [آن چه] از پس نوروز بود و ششم آن مهرگان بزرگ بود و رام روزنام است و بدین دلندش».

این عید مانند دیگر اعیاد بزرگ برای عموم مردم است. از آیین ساسانیان در این روز این بود که تاجی را که بصورت آفتاب بود بر سر می گذاشتند و در این روز برای ایرانیان بازاری برپا می شد. «و در کلوک خراسان رسم است که در روز مهرگان به سپاهیان و ارتش رخت پاییزی و زمستانی می دهند». در این روز بود که شاه فریدون به یاری مهر هیولای اژدهای هاک را با گرز گاوسار که سلاح ویژه ی ایزدان است با خاک یکسان کرد. هر روحانی زرتشتی آن گاه که رسماً جامه ی روحانی بر تن می کند، گریزی به این شکل همراه دارد، یادآور مبارزه ی معنوی و اخلاقی که می خواهد با اهریمن داشته باشد. مهرگان از یک سو سال روز این

پیروزی اسطوره‌یی ست و از سوی دیگر یادآور نبردهای سنگین معنوی که در پیش روست. افزون بر همه‌ی این‌ها راسخ داشتند پیمان سرنوشت‌سازی که میان اهورا مزدا از یک سو و اهریمن از سوی دیگر بسته شده بود که دقیقاً دوره‌های مبارزه را معین می‌ساخت، در این روز بسته شده بود. زیرا ایزدمهر [میترا] در ضمن مسوول و مراقب و حافظ تمام پیمان‌ها نیز بود. مناسبت‌های رزمی و جنگی عید مهرگان ایجاب می‌کرد که شرکت کنندگان اصلی در آیین و مراسم این جشن مردان باشند و رابطه‌ی میان این جشن با فرقه‌های متأثر از خوی سپاهی‌گری رومیان از همین جا آغاز شد. اما از دیدگاه عمومی و اجتماعی، جشن مهرگان مردمی‌ترین جشن‌های مردم ایرانی‌نژاد بود. همانند گاهنبارها یکی از فرصت‌ها بود. بای ذیح قربانی حیوانی و انجام مراسم دسته‌جمعی عبادت، نیایش، ولیمه و ضافت دادن با اغذیه و خوراکی‌های موجود در پاییز. در این ضیافت‌ها میوه‌های رسیده و آبدار و انواع خشکبار جای شیر و ماست و پنیر تازه جشن روزهای نوروز را می‌گرفت. همانند روزهای نوروزی، دست‌کم توانگران و بزرگ‌زادگان به یک‌دیگر هدیه می‌دادند. مهرداد بهار در مورد بعضی از جشن‌های ایران باستان به خصوص نوروز و مهرگان معتقد است که: «به احتمال بسیار این اعیاد، به اعیاد اقوام برزگر می‌ماند و نه اعیات اقوان گله‌دار، می‌بایست این اعیادی سخت کهن در نجد ایران بوده باشند و به پیش از تاریخ بازگردند و از آن اقوام بومی این سرزمین، اجداد غیرآریایی ما باشند، این اعیاد به هراه سومریان به بین‌النهرین برده شدند و دو عید ازدواج مقدس و اکتی را پدید آوردند....»

جشن مهرگان، همان‌گونه که [صورت قدیمی جشن پاییزی - آیین اکتی] در بین‌النهرین باستان مرسوم بود، شش روز طول می‌کشید که از روز شانزدهم مهر آغاز می‌گردید و آغاز آن را مهرگان عامه و پایان آن را مهرگان خاصه می‌گفتند. «چنین به نظر می‌آید که جشن مهرگان هم از حالت مذهبی، سیاسی و درباری برخوردار است و هم به سوی جشن‌های مردمی گرایش دارد. و به عبارت دیگر در این جشن بار دیگر خاطره‌ی نهایت حدّ رشد قوه‌ی نامیه در نبات و حیوان تکرار می‌شود. از سوی دیگر یادآور پیروزی پهلوان و فرمانرو بر اژدهاک ستمگر و ظالم است. جشن مهرگان پهلوان هم در میان زردشتیان کشور برگزار می‌شود و جزء جشن‌های ملی و مذهبی آنان به‌شمار می‌آید». در روز مهرگان به‌خصوص پادشاهان ساسانی تاجی مرصع و پرتوافکن بر سر می‌نهادند و سپس بار عام می‌دادند تا هدایا و تحف مرسوم را دریافت کنند. جشن مهرگان در میان مردم دارای یک‌سری آداب و مراسمی بود که با تشریفات فراوان برگزار می‌شد، قبل از آغاز جشن خانه‌تکانی می‌کردند و لباس نو تهیه می‌نمودند، در روز جشن زردشتیان لباس نو می‌پوشیدند و سفره‌ی الوان می‌گسترند. کتاب اوستا، آینه، سرمه‌دان و شراب و گلاب و... بویژه انار روی آن می‌چیدند. اگر نوزادی در این روز متولد می‌شد، اسم او را کلمه‌یی می‌گذاشتند که واژه‌ی «مهر» در آن باشد.

«روز جشن سفره‌ی ویژه‌ی می‌گسترند که آن را «ودرین Vederin می‌نامند. اوستا و ادعیه‌ی مخصوص تلاوت می‌کنند. گوسفند قربانی را در تنور بریان می‌کنند و در سفره قرار می‌دهند. گوسفند یا مرغ بریان را یشته Yashta می‌کنند، یعنی تقدیس می‌نمایند و بر آن دعاهایی از اوستا می‌خوانند. «ودرین» یا سفره‌ی ویژه‌ی خهرگان بسیار جالب است. در آن انواع میوه‌های فصل و گل و ریحان و لُرک Lork (نوع آجیل) و بوهای خوش می‌نهند. خوراک‌های دیگر عبارتند از: آتش، حلوا، نان، سیر و siru کماج و چیمال (خوراکی که از روغن و خرما و نانی که به‌هم برآورده و چنگمال کنند). هم‌چنین خوراک ویژه‌ی «دون» درست می‌کردند که در مراسم مذهبی می‌پزند و آن عبار است از عدس، نخود، لوبیا، شلغم و سیب‌زمینی که پس از پختن رسم بود، مقداری از آن را بر بام می‌نهادند که برای اسب مهر ایزد خوراکی باشد».

سده

جشن سده یکی از جشن‌هایی است که نه تنها از لحاظ مذهبی اهمیت دارد، بلکه در میان عامه مردم نیز بدان توجه فراوان می‌شد و به همین سبب یاد آن نیز از خاطر ایرانیان محو نشده است و با جزئی‌ترین توجهی، ممکن هست که آنرا به همان شکوه دیرین باز گرداند. این جشن یکی از بزرگترین جشن‌های آتش است که از روزگاران کهن در ایران مرسوم بوده است. آتش یکی از آن عناصری است که کشف و ایجاد آن در تمدن و ترقی حیات بشری تأثیر بسزائی داشته و به همین جهت خاطره اکتشاف آن چون خاطره عزیزترین موهبتی در ذهن آدمی پایدار مانده است.

چون جشن سده مانند جشن‌های فروردین و تیرگان و مهرگان و... از عهد ساسانی به یادگار مانده است، بی‌شک در زبان پهلوی نامی داشته است و ظاهراً جشن مزبور در آن زمان «ستک» (satak) یا «سدهگ» (sakhag) خوانده می‌شده که تازیان آن را معرب کرده «سَدَق» و «سَدَق» می‌گفتند که بعدها به سده معروف شد. سده به معنی منسوب به شماره صد است و اینکه در فرهنگ‌های پارسی آن را به معنی آتشی با شعله‌های بلند گرفته‌اند، معنی مجازی و فرعی است که به مناسبت جشن سده که از قدیم رایج بوده است. شاید نظر به آتش‌افروزی‌های بزرگی که در جشن سده مرسوم بوده است چنین معنی مجازی را از کلمه سده برداشت کرده باشند. بیرونی در رابطه با ارتباط جشن و عدد صد در کتاب التفهیم چنین می‌نویسد: «سبب نام سده چنانست که از آن تا نوروز پنجاه روز

است و پنجاه شب... و نیز گفته اند که اندر این روز از فرزندان پدر نخستین (آدم) صد تن تمام شدند. و گردیزی مؤلف زین الاخبار آورده: «سده بزرگ، چنین گویند مغان که اندر این روز صد مردم تمام شده بود از نسل میشی و میشیانه و ایشان دو مردم نخستین بودند، چنانکه مسلمانان گویند آدم و حوا، مغان را آن دو تن بودند.» در برهان قاطع اشاره به آن دارد که واضح این جشن کیومرث است. در چنین روزی فرزندان وی به صد تن رسیدند و چون بالغ شدند در شب این روز جشن گرفتند و همه را کدخدا کرد و فرمود که آتش بسیار افروختند و بدان سبب آن را سده گویند.

در برخی از منابع این جشن را به هوشنگ بن سیامک نسبت می دهند و بعضی گویند هوشنگ که پسر چهارم آدم (ع) است یعنی به چهار پشت به آدم (ع) می رسد، روزی با صد کس بطرف کوهی رفت، ناگهان ماری بزرگ بنظرش درآمد و چون هرگز مار ندیده بود بشگفت آمد و گفت جمیع جانوران متابعت ما می کنند، همانا این جانور دشمن ماست که سر از اطاعت پیچیده، سنگی برداشت و بر جانب مار انداخت، آن سنگ خطا شد و بر سنگ دیگر خورد، آتش از آن بجست و بر خش و خاشاک افتاد و مار بسوخت، چون در آن زمان هنوز آتش ظاهر نشده بود هوشنگ با همراهان از پیدا شدن آتش خرم و شادان گردید و گفت این نور خداست که دشمن ما را کشت و بسجده رفت و شکر ایزد به جای آورد و آتش را قبله خود ساخت و در آن روز جشن بزرگی گرفت.

ابوریحان در التفهیم نوشته: «اما سبب نامش سده چنانست که از آن تا نوروز پنجاه روز است و پنجاه شب.» و نیز در زین الاخبار آمده که بعضی گفته اند میان این روز و میان نوروز صد شبانه روز است یعنی پنجاه روز و پنجاه شب، بر این سبب سده نام کردندش. این جشن معمولاً روز دهم (آبان روز) از ماه بهمن گرفته می شده است و همه مورخین و فرهنگ نویسندگان بدان اشاره کرده اند و در آن شب که میان روز دهم و روز یازدهم است به آتش افروزی مبادرت می ورزیده اند. سده در مآخذ موجود نام شب است نه نام روز و ظاهراً این جشن که آتش افروزی در آن مرسوم بوده در شب پیش از روز نود و نهم زمستان (پنجماه) واقع می شده و در حقیقت می توان گفت که در پایان آذر روز یا نهم از ماه بهمن این جشن صورت می گرفته است.

درس ۱۳

فعالیت ۱

به چهار گروه تقسیم شوید و با راهنمایی دبیر خود، هر گروه درباره ی تأثیر و نقش یکی از عوامل زیر بر گسترش تجارت در دوره ی هخامنشیان گفت و گو و استدلال کنید:

۱) موقعیت جغرافیایی و وسعت قلمرو: ایالات آن زمان حکومت ایران را می توان به دو گروه تقسیم کرد ۱- گروه اول شامل نقاط وسیعی از ایران و هم چنین آسیای میانه و ایالات الحاق شده به آن که متری ترین آن ایالت باکتریا بود ۲- گروه دوم ایالات آسیای صغیر که از لحاظ اقتصادی مهم تر و پیشرفته تر بودند و با فعالیت های بازرگانی و مبادله ی داد و ستد کالاهای تجاری، درآمد کلی و اساسی هخامنشیان را تأمین می کردند و قلب امپراتوری محسوب می شدند. مالیات هایی که پادشاهان هخامنشی از ایالات آسیای صغیر، ارمنستان، ایلام، بابل و لودییه ی دریافت می کردند از سایر قسمت های کشور بیشتر بود. ضمناً تجارت بین ایالات ثروتمند امپراتوری با کشورهای همسایه نیز در جریان بود. قرار گرفتن ایالات غربی امپراتوری در سواحل شمالی، شرقی و جنوبی دریای مدیترانه از عوامل رشد و رونق تجارت در این مناطق می باشد. وسعت قلمرو هخامنشی و برقراری امنیت در این دوره زمینه رشد تجارت در این قلمرو وسیع را فراهم آورد و باعث توسعه ی تجارت جهانی در این دوره گردید. تحقق وحدت همه ی آسیای غربی زیر لوای حکومت هخامنشی، تقسیم این عرصه ی وسیع به ایالات مجهز به یک طرز اداره که از طرف مرکز نظارت می شد، ایجاد وسایل ارتباطی بین بخش های گوناگون شاهنشاهی به وسیله ی راه های زمینی و دریایی، دستگاه متعادل تحصیل مالیات و کثرت طلا در گنجینه های حکومتی، همه از عوامل نیرومندی بودند که قوه ی محرکه ای که در ایران سابقه نداشت، به حیات اقتصادی ایران داد.

۲) راه ها و وسایل حمل و نقل: یکی از اولین اقداماتی که در زمینه رونق اقتصادی در دوره ی هخامنشی صورت گرفت، ایجاد شاهراه ها و برقراری ارتباط بین مراکز مهم شاهنشاهی به منظور نقل و انتقال سریع کالا و اجناس، مأموران دولتی، مسافران و نیروهای نظامی بود. داریوش برای اداره بهتر و یکپارچه شاهنشاهی خود، شبکه جاده ای گسترده ای ایجاد کرد. در واقع داریوش هم برای رسیدن به هدف های نظامی و تسلط حکومت مرکزی بر ایالات و استقرار امنیت و هم رونق حمل و نقل و بازرگانی و مسافرت، به ایجاد و توسعه شبکه راه ها همت گماشت. به عبارت دیگر می توان گفت اداره ی این سرزمین وسیع و حفظ و امنیت آن و انتقال سریع واحدهای نظامی و توسعه بازرگانی و حمل و نقل و تسهیل در امر مسافرت، از مهم ترین عوامل ایجاد و گسترش شبکه راه ها در این دوره بوده است. شناخته ترین جاده ها در این شبکه، جاده پرسپولیس (تخت جمشید) به شوش است که آن را می توان با بررسی مسیری که اسکندر مقدونی، طی کرده است و نیز با استفاده از الواح گلی تخت جمشید، روی کاغذ بازسازی کرد. این جاده که به جاده شاهی معروف است تمام پایتخت های هخامنشی را به یکدیگر متصل می ساخت. با رسیدن این جاده به شوش، راه های دیگری از آن منشعب می شد که به سایر نقاط شاهنشاهی خصوصاً سایر

پایتخت ها و شهر های مهم از جمله بابل، سارد و همدان می رسید. به غیر از جاده شاهی، راه دیگری به سوی جنوب غربی، شوش را به تخت جمشید و پاسارگاد متصل می ساخت و از روی کوه های بلند می گذشت که برای گذشتن از آن حتی پادشاهان پارسی به راهزنان باج می دادند، وقتی زمستان گردنه ها را پر می کرد، یک راه دیگری که از کنار خلیج فارس دور می زد، در دسترس بود، زیرا در زمستان جلگه ای کرانه ای نمناکی ناسالم (شرجی) خود را از دست می دادند و بخش مهمی از ثروت از طریق داد و ستد با خلیج فارس از این جا به دست آمد. قسمت دیگری از جاده شاهی، شوش را به بابل متصل می ساخت. دو راه دیگر از شوش تا دریای مدیترانه و مصر ساخته شد که یکی از سوریه و فنیقیه به دریای مدیترانه متصل می شد و دیگری از سوریه و فلسطین و شبه جزیره سینا به مصر می رسید. یک راه دیگر شاهی، شوش را به سارد متصل می ساخت، این یکی از راه های قدیمی بود که کاپادوکیه را از طریق ارمنستان و آشور به دره فرات و دجله اتصال می داد. در مورد جاده شاهی باید گفت که در بعضی از قسمت ها که جاده نرم بود سنگ فرش میشد و حتی ساختن رد چرخ در این جاده برای وسایل نقلیه چرخ دار معمول بود. از این جاده به خوبی حراست می شد. در الواح خزانه دربار به نیزه دار این نگهبان جاده شاهی اشاره شده است. اینان ظاهراً واحد های مستقلی را تشکیل می دادند وزیر نظر افسران خدمت می کردند. سازمان پیک داری شاهنشاهی زیر نظر «رئیس اعظم پیام رسانی» قرار داشت که از سوی شاهنشاه منصوب می شد و یونیفرم اداری مخصوصی داشت.

(۳) پول و اوزان: در سال ۵۴۶ پ.م کوروش بنیانگذار هخامنشی کشور لیدی را تسخیر نمود و اکثر مناطق یونانی نشین را زیر سلطه خود در آورد، بجز کشور لیدی به نواحی تصرف شده که در آن ها ضرب سکه رایج بود اجازه داد که مثل قبل به ضرب سکه های محلی ادامه دهند و تنها ضرب سکه های سلطنتی کروزوس را متوقف نمود. کوروش هخامنشی با اینکه متوجه لزوم سکه و تأسیس ضربخانه شده بود ولی مرگ به او این فرصت را نداد. لذا داریوش هخامنشی (۵۲۲-۴۸۶ پ. م) نخستین کسی بود که در ایران به ضرب سکه اقدام نمود. وی سکه های طلا و نقره بنام های (دریک Daric و شکل یا سیگلولی Siglos) به ترتیب به وزن ۸.۴ گرم و ۵.۶ گرم ضرب نمود. بر روی سکه تصویر شاه هخامنشی به شکل کماندار پارسی دیده می شود که به علامت نیایش خدای بزرگ اهورمزدا، زانو زده و کمانی را در حال کشیدن زه و در دست دیگر نیزه ای دارد. سکه های نخستین هخامنشی بنام سکه های شاهی معروف بوده است. در سراسر ایران هخامنشی ضربخانه های سلطنتی بنابر آنچه که احتیاج بود سکه ضرب می کردند ولی در مواقع لزوم مثل جنگ، فرمانروایان یا ساتراپ های محلی اطراف پادشاه که مامور تشکیل و تدارک ساز و برگ و جنگ افزار بودند، سهم بیشتری برای ضرب سکه از خزانه سلطنتی دریافت می کردند. ظاهراً ساتراپ ها مجاز بودند سکه نقره کم ارزش و مس بزنند، این نوع سکه ها غالباً در آسیای صغیر و فنیقیه زده می شد. داریوش به خوبی دریافت که کامیابی یک ملت بر بنیاد اقتصادی سالم گذاشته می شود بنابراین ابتدا یک دستگاه منظم از وزن ها و اندازه ها برقرار کرد. داریوش علاقه داشت که عیار پول طلا دریک و پول نقره شکل همیشه یک اندازه باشد و هیچ نقطه ای از امپراطوری ایران در پول طلا و نقره بیش از میزان مقرر غش نمی زدند. به همین جهت پول ایران مرغوب ترین پول دنیای قدیم بود و مورد اعتماد تقریباً تمام کشورهای دنیای قدیم بود. حتی اگر داریوش متوجه می شد که ضربخانه ها که زیر نظر ساتراپ ها کار می کردند بیش از اندازه در سکه ها غش زده اند، به شدت برخورد می کرد. در این دوره تهیه و به کار اندازی سکه در معاملات نه تنها در امور بازرگانی داخلی و خارجی تسهیلاتی فراهم کرد. بلکه به توسعه بانک ها که به تدریج رونق می گرفتند نیز کمک مؤثری کرد. در زمان هخامنشیان بر اثر مسکوکات هم تجارت زمینی و هم تجارت دریایی به نواحی دور کشیده شد. این عهد، از جهت یک سلسله مسافرت ها و اکتشافات بزرگ، شایان توجه است. اسکیلاکس از مردم کاریاندا به امر داریوش به مسافرتی اقدام کرد که دو سال و نیم طول کشید و از دهانه رود سند تا مصر سفر کرد. یک فرمانده ایرانی به نام ستاسپه در قرن ۵. م. با کشتی تا ماورای ستون های هرکول (جبل الطارق) پیش راند ملاحان یونانی. فنیقی و عرب ارتباط بین هند، خلیج فارس، بابل، مصر و بنادر بحرالروم را تأمین می کردند. تجارت جهانی بیش از پیش به نقاط دورتر کشانیده می شد و تا نواحی «دانوب» و «رن» رسیده بود و سکه های مکشوف، که در گنجینه ها موجود است، وسعت آن را نشان می دهد. داریوش کوشید تا آنجا که ممکن است به جای پیمانه ها و وزن های گوناگون ملکداران، در سراسر شاهنشاهی پیمانه ها و اوزان جدیدی معمول دارد. او برای هماهنگ کردن وزنه ها، وزنه جدیدی به نام کرشه و پیمانه جدیدی به نام پیمانه شاه برقرار کرد. از وزنه هایی که در گنجینه تخت جمشید، کرمان و جاهای دیگر پیدا شده، معلوم می شود که وزنه ها به شکل هرم کوچکی بوده که یکی از آن ها وزنش کمتر از ۲۲ پوند یعنی صد و بیست کرشه است. وزنه ها، ظاهراً، پس از چندی در سراسر کشور تعمیم یافت. امستد می نویسد: «جالب است که در آن سر دیگر شاهنشاهی در «الفاتین» در مرز جنوبی مصر، سربازان مزدور یهودی وام خود را از روی سنگ (وزنه) شاه می پرداختند. کوچک ترین وزنه، هلور یا حبه بود. ده هلور یک چارک می شد، چهار چارک یک شکل و ده شکل، یک کرشه بود.

۴) کشاورزی و صنعت: پایه و اساس زندگانی اجتماعی آن روز، کشاورزی بود و همواره از جمله وظایف مهم اجتماعی بوده است. اهمیت کشاورزی در ایران و بالا رفتن میزان کشت و تاثیر آن در زندگی مردم به پایه ای بود که دیگران ایرانیان را همواره می ستودند. پادشاهان هخامنشی در بهره برداری از منابع طبیعی و آب و خاک و توسعه بازرگانی و کشاورزی که حیات اقتصادی کشور را تضمین می کرد دلبستگی فراوان داشتند و همواره کشاورز و کشاورزان را می ستودند. پادشاهان هخامنشی به کسانی که زمینهای بایر را تبدیل را اراضی زراعتی یا پرداخت می کردند و به احداث قنوات می پرداختند، پاداش خوبی می دادند. در بخش کشاورزی بیشتر زمین ها به اشراف و نظامیان و در مرحله ی بعدی به کشاورزان آزاد تعلق داشت. محصولات کشاورزی به سایر کشورها صادر می شد و برخی مواد کشاورزی وارد می شد. **گزنفون** (کتاب اقتصاد، فصل ۴) در این باره می گوید: «شاه ایران در پاره ای ایازبه بخش هایی از کشور خود سفر می کند اوضاع را می بیند و به پاره ای از سرزمین ها کسانی را می فرستد. اگر دریابد که در استانی زمین های آباد و درختان سودمند فراوان است به آن استاندار پاداش می دهد. مقام های ممتاز می بخشند و شهری را به استان او می افزاید. و هر گاه روشن شود که استانی کم جمعیت و بایر مانده است و بداند که این ویرانی از سخت گیری یا کوتاهی استاندار است و از سستی او سرچشمه گرفته است او را بی درنگ عوض می کند و هر گاه شاه می خواهد پاداشی بدهد نخست به کسانی که در جنگ دلیری کرده اند یا در کشاورزی و آبادانی کشور کوشیده اند می دهد. ایرانیان به درخت کاری خشک کردن مرداب ها و تبدیل آن ها به به زمین های قابل کشت و کندن چاه و ساختن کاریز و بهره برداری از منابع آب های زیر زمینی دلبستگی داشتند به طوری که در هنر اکتشاف و هدایت و بهره برداری آب هیچکس به پای ایرانیان نمی رسید و اصولاً کندن رشته های قنات برای هدایت آبهای زیر زمینی از ابداعات ایرانیان است. ایرانیان باغهای بزرگ و منظم و زیبایی می ساختند که به آن ها پردیس می گفتند. در این باغهای بزرگ و جنگلی جانوران شکاری و درنده نیز رها می کردند تا باروری کنند.» با کارهای برجسته و تلاش های سازنده و به ویژه توجه دولت هخامنشی به کشتکاری و بازرگانی و رفاه نسبی خانواده ها و نیز گرایش دادن مردم به کشتکاری، بیکاری در ایران آن روز وجود نداشت. هرکس پیشه و هنری نداشت با تشویق هایی که به عمل می آمد به کشاورزی می پرداخت و برزیگری پیشه آزادگان به شمار می رفت.

صنعت هخامنشیان مجموعه ایست از آن چه که از اقوام دیگر گرفته اند ولی هنرشان در این بود که مواد مختلف را از هر جا می گرفتند و به صورتی زیبا و دلپسند با هم مربوط می ساختند و تناسبی میان آن ها به وجود می آوردند. پادشاهان و فرمانروایان هخامنشی بناهای باشکوهی از سنگ تراشیده شده بر فراز بلندی ها ساخته اند که همه دارای تالارها و ستون های ظریفی است سقف ساختمان ها از چوبی های قیمتی می پوشانند و روی آن را نقاشی می کردند و فلز کوب می نمودند (اگر اسکندر تخت جمشید را طعمه حریق نمی نمود شاید تا کنون سقف ها باقی می ماند گرچه بعداً عرب های بنی امیه و بنی عباس و مغولان و تیموریان نیز به ایران حمله بردند و لطمات زیادتری به این آثار زدند) پله های سنگی که در تخت جمشید به کار رفته است ویژه هنر و ذوق ایرانی در صنعت و هنر معماریست این پله ها به اندازه ی وسیع و بالا رفتن از آن ها آسان است که ده سوار می توانستند نزدیک به هم از آن ها بالا روند. صنایع متداول در عصر هخامنشی عبارت بود از: کاشی سازی، معماری، سنگ تراشی، مجسمه سازی، فلز کاری، قالی بافی، تهیه کاغذ، شیشه سازی، کشتی سازی، ساختن وسائل نقلیه و گاهی نیز در ساختن این قبیل صنایع بی نظیر، پنجه هنرمندان، یونانی، لیدی، هندی و مصری دخالت داشته و در واقع از ترکیب بدایع ایران با ملل تابعه، شاهکارهای صنعتی عصر هخامنشی به وجود آمده است. ستون های سنگی را با میله های فلزی که در مغز آن ها قرار می دادند استوار می کردند. در نیزیر فارس کارگاه های مهم زره سازی و ساختن اسلحه آهنین بوده است و حتی حقوق کارگران آنجا در لوحه ای یادداشت شده است. در اطراف شوش نیز کلنگ، داس، خیش، تیر، اره، دهنه اسب و نعل مسی برای اسب ساخته می شد. در دوره هخامنشی کوره های ذوب فلزات زیادی وجود داشته است. کوره های ذوب فلزات در «تل ابلیس» واقع در بردسیر کرمان، کوره های ذوب فلزات در «تل آتشی» در نزدیک بم بهترین کوره های ذوب آهن در «دلفارد» جیرفت وجود داشته است. در ایران دوره هخامنشی از فلزات به ویژه نقره و طلا جام هایی همراه با دستگیره آن به شکل سر حیوانات به ویژه شیر و گاو، ساخته می شد. دست بندهای فلزی ویژه زینت خانم ها نیز ساخته می شد. در خانه اشراف و شاهزادگان وسائل زندگی فلزی گران قیمت وجود داشت و در خانه مردمان معمولی، مصنوعات سفالین به جای مصنوعات فلزی به کار می رفت. در مورد تنوع حرفه ها در دوره هخامنشی هم زمان با ساختن تخت جمشید باید گفت که کارگران و دست اندرکاران حرفه های گوناگون عبارت بودند از کارگردان ساختمانی، کاخ های پارسه، شبانان، زنان و مردان نگهبان اسبان، کشتکاران، روحانیان، مامورین تنظیم محاسبات، مثبت کاران، آهنگران که مشغول ساختن درب کاخ ها بودند، کارمندان مخزن خزانه، کارگران و هنرمندانی که نقوش برجسته سنگ و مثبت کاری های چوبی بر عهده داشتند درودگران، پیکر سازان، کارگران حجار و سنگ تراش، کارگران کارگاه های تزئین کاخ، زرگران، مامورین متصدی ذوب فلزات، خرکچی ها، مس کاران و سایر مشاغل.

فعا لیت ۲

با توجه به محتوای این درس و در سهای ۹ و ۱۰ ، چهار مورد از مخارج اساسی حکومت ها را در ایران باستان فهرست کنید.۱-مخارج جنگ ها و لشکر کشی ها ۲- مخارج دربار (مصارف شخصی شاه، شاهزادگان، درباریان) ۳- پرداخت حقوق کارمندان اداری، نظامیان و ...۴-مخارج ساخت و ساز بناها و کاخ ها۵-نگهداری و تعمیر آتشکده ها، کاروان سراها، قنات، سدها و ...

درس ۱۴

فعا لیت ۱

گزیده های بالا از سروده های زرتشت در کتاب اوستا را مطالعه کنید و پاسخ دهید که هریک از این گزیده ها ناظر بر کدام یک از اصول اعتقادی زرتشت است. ۱- گفتار نیک(اعتقادات) ۲- پندار نیک(اندیشه) ۳- کردار نیک.

فعا لیت ۲

گزیده ی متن های صفحه ی قبل را به دقت مطالعه کنید و پس از همفکری با یکدیگر، به پرسش های زیر پاسخ دهید.
الف) شواهدی که دلالت بر زرتشتی بودن هخامنشیان می کنند، کدامند؟ ۱- ذکر نام اهوره مزدا در کتیبه های پادشاهان هخامنشی ۲- اشتراک در نام مهر و ناهید که در آئین هخامنشیان به عنوان ایزد و در آئین مزدیسنا به عنوان فرشتگان آمده اند ۳- پرستش و نیایش آتش و بر پا کردن آتشکده ۴- نام و یشتاسب پدر داریوش یکم را همان گشتاسب(تلفظ اوستایی) حامی زرتشت می دانند. ۵- باور به ارته یا اشا.

ب) هرودت به چه تفاوت هایی درباره ی باورهای ایرانیان عصر هخامنشیان با اعتقادات یونانیان باستان اشاره کرده است؟
هرودت بیان می کند: تا جایی که من اطلاع دارم پارس ها عادات و رسومی دارند که چنین است :پارس ها عادت ندارند که برای خدایان مجسمه برپا کنند و یا معبد و قربانگاهی بسازند. برعکس، آن ها کسانی را که چنین کنند به دیوانگی متهم می کنند و علت به نظر من آنست که آن ها هرگز مانند یونانیان خصوصیات بشری برای خدایان قائل نبوده اند.رسم آن ها چنین است که به مرتفع ترین نقاط کوهستان صعود می کنند و در آنجا قربانی هایی به زئوس خداوندی که نام او را بر کائنات و افلاک اطلاق کرده اند اهداء می کنند. آن ها برای خورشید و ماه و زمین و آتش و آب و باد نیز هدایائی قربانی می کنند. اینها تنها خدایانی هستند که پارس ها از قدیم برای آن ها قربانی می کرده اند. و اما مراسم مذهبی که پارس ها در موقع اهداء قربانی باین خدایان رعایت می کنند از این قرار است :پارسها در موقع اهداء قربانی نه قربانگاه بنا می کنند و نه آتش روشن می کنند .اندودن به روغن مقدس و نواختن نی و بستن نوار به قربانی و افشاندن جو مقدس نزد آن ها مرسوم نیست.

درس ۱۵

فعا لیت ۱

به نظر شما استفاده از زبان های ایلامی و بابلی در اسناد رسمی هخامنشیان، نشان دهنده ی کدام ویژگی حکومت هخامنشی است؟ تاثیر پذیری از فرهنگ و تمدن اقوام و کشورهای تابعه امپراتوری.

فعا لیت ۲

به نظر شما چه ارتباطی می تواند میان گسترش داستان های حماسی و پهلوانی با شرایط سیاسی اجتماعی حاکم بر اوایل دوران حکومت اشکانیان، وجود داشته باشد؟ ۱-شعر پهلوانی از روزگار پارتیان که گوسان ها و خنیاگران حرفه ای سرگذشت های پادشاهان در عشق و جنگ را می خواندند از محبوبیت فراوان برخوردار بود. در حمله ی اسکندر مقدونی به ایران محدود متون دینی و عرفی دوره ی هخامنشی از بین رفته است بنابراین اشکانیان به سنت شفاهی که در ایران رونق فراوانی داشت ادامه دادند و با حفظ داستان های حماسی و گسترش آن باعث حفظ این سنت شدند ۲- رواج این داستان ها از سوی دربار این بود که اطاعت بی چون چرا از پادشاه را به خواننده سفارش می کرد و این اطاعت در کرده های جنگاوران و پهلوانان ایرانی به خوبی نشان داده شده است. ۳-فرمانبرداری پایدار رعایا از پادشاهانشان و ضرورت اداره کردن دادگسترانه ی رعایا از سوی پادشاه،حراست از دین،جلوگیری از سوء استفاده های طبقات حاکم، توجه به کشاورزی و آبادانی کشور و رهایی دادن نیازمندان از تهیدستی و بداختری را از طریق این نوع ادبیات می توان مشاهده کرد.۳- تاریخ ملی در پی آن بود تا مردم را به رعایت دقیق تمایز میان طبقات اجتماعی تشویق کند.۴- تقویت حس نیرومند ملی گرایی در بین ایرانیان در اوایل حکومت اشکانی برای مقابله با بیگانه ستیزی(سلوکیان).

فعا لیت ۴

الف هر کدام از متن های شماره ی ۲، ۳ و ۴ به کدا میک از ابعاد تعلیم و تربیت اشاره می کنند؟

۱- ابعاد اخلاقی، شغلی و حرفه ای ۲- بعد جسمانی ۳- بعد اجتماعی.

ب با همفکری بگویید متن شماره ی ۳، شما را به یاد کدا میک از شعرهای مولانا می اندازد؟ دیوان غزلیات شمس را به کلاس بیاورید و آن شعر را بخوانید.

روزها فکر من این است و همه شب سخنم	که چرا غافل از احوال دل خویشتم؟
از کجا آمده ام؟ آمدنم بهر چه بود؟	به کجا می روم آخر نمایی وطن
مانده ام سخت عجب کز چه سبب ساخت مرا	یا چه بوده است مراد وی از این ساختم
جان که از عالم علویست یقین میدانم	رخت خود باز بر آنم که همانجا فکنم
مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک	چند روزی قفسی ساخته ام از بدنم
ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست	به هوای سر کویش پر و بالی بزمن
کیست در گوش که او میشنود آوازم	یا کدامیست سخن میکند اندر دهنم
کیست در دیده که از دیده برون می نگرد	یا چه جانست نگویی که منش پیرهنم
تا به تحقیق مرا منزل و ره نمایی	یکدم آرام نگیرم نفسی دم نزنم
می وصلم بچشان تا در زندان ابد	از سر عریده مستانه بهم درشکنم
من به خود نامدم این جا که به خود باز روم	آن که آورد مرا باز برد در وطنم
تو مپندار که من شعر بخود می گویم	تا که هشیارم و بیدار یکی دم نزنم
شمس تبریز اگر روی بمن نمایی	والله این قالب مردار بهم درشکنم

فعالیت ۳

به نظر شما چرا زرتشتیان در اواخر عصر ساسانی و اوایل دوران اسلامی، به نگارش آثار دینی و ادبی خود روی آوردند؟

۱- موبدان مساعی فراوانی به کار بردند تا از راه ادبی از دین خود دفاعی کنند و مومنان را درس دین ورزی بیاموزند. ۲- در اواخر دوره ی ساسانی دین زردشت از حمایت دولت برخوردار نبود و علاقه به داشتن آثار مکتوب و احساس خطر از نابودی آن ها موجب شد که موبدان و علمای زردشتی دست به گردآوری و تالیف این آثار بزنند. ۳- تحولات دینی این عصر، از جمله پیشرفت دین مسیح در قلمرو ساسانی و در گرفتن مباحثات اعتقادی میان پیروان ادیان مختلف، موجب شد موبدان برای اینکه در مقام بحث و جدل، سند و مدرک قابل استنادی در اختیارداشته باشند، اقدام به مکتوب کردن اوستای شفاهی کنند

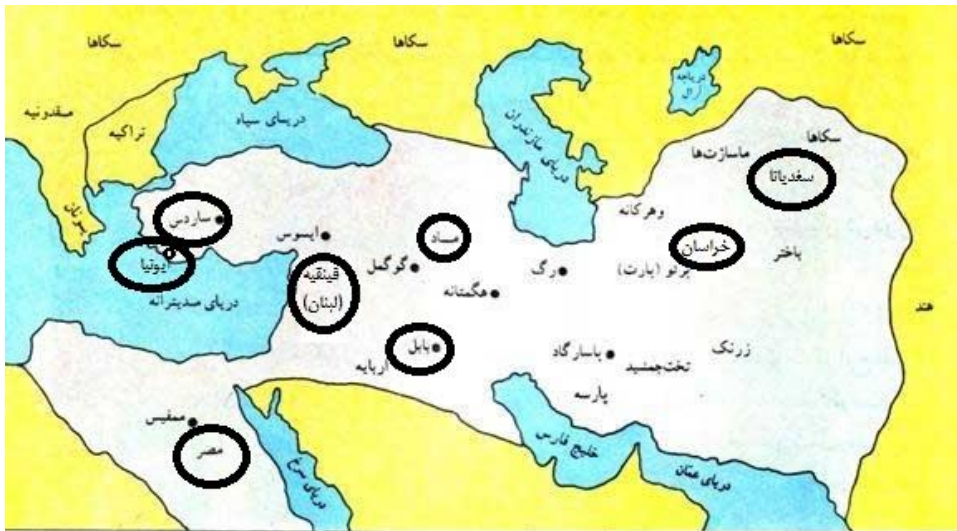
درس ۱۶

فعالیت ۱

الف) محتوای این سنگ نوشته (شوش)، کدام ویژگی هنر و معماری هخامنشی را نشان می دهد؟ برای پاسخ خود دلیل بیاورید.

تأثیرپذیری از دستاوردهای هنری اقوام و ملت های تابع آن حکومت بود که پیشینه ی تمدنی درخشانی داشتند. زیرا داریوش در این سنگ نوشته از شانزده قوم و کشور که مصالح ساختمان را تهیه کرده اند و از هشت قوم که قابلیت های هنری و صنعت کاری خود را در ساختمان بنا به کار برده اند، یاد می کند. براساس این کتیبه: الوار کاج از لبنان، الوار یکا از گندار و کرمان، طلا از سارد و باختر، سنگ عقیق از سغد، سنگ فیروزه از خوارزم، نقره و چوب آبنوس از مصر، زیور های دیوارها از ایونی، عاج از سند، کوش و رخج، ستون های سنگی از سنگ ابیرادوش از ایلام، سنگ کاران ایونایی و ساردی، زرگران مادی و مصری، آجرکاران از بابل، چوب کاران از سارد و مصر و کسانی که دیوار آراستند از ماد و مصر بودند.

ب) مکان هایی را که در این سنگ نوشته ذکر شده (سغدیانا، ساردی، ایونایی، مصری، مادی، بابلی و لبنانی) بر روی نقشه ی هخامنشیان در درس ۹، نشان دهید.



(پ) به نظر شما چرا داریوش یکم بر مشارکت معماران، هنرمندان و کارگران از سرتاسر قلمرو هخامنشی در بنای کاخ تأکید می نماید؟

هدف در مرتبه نخست ستایش از بسیج تولیدات و نیروهای انسانی یک شاهنشاهی در خدمت به پادشاه است. این اسناد با فصاحت و بلاغت اراده‌ی شاه را در نمایش دادن اتحاد همه‌ی اقوام شاهنشاهی و همکاری سازمان یافته‌ی آن‌ها بر گرد شاه را به منصفی ظهور می‌گذراند و بیشترین تأکید را بر فرمانبرداری سیاسی و استیلای خراجگذاری دارد. خواست تا به نوعی در این کارها شرکت جویند که بدین وسیله به همه نشان دهد که در چه دایره‌ی وسیعی، ملل و اقوام گوناگون تحت تابعیت شاهنشاهی قرار گرفته‌اند و در سازندگی پایتخت و مقر حکومت شرکت دارند.

۲: به تصویر بالا دقت نمایید، (سردیس آشوربانی پال و سردیس داریوش یکم) چه شباهت هایی در آن ها می بینید؟ از این شباهت ها چه نتیجه ای می توان گرفت؟

۱- فرم موها ۲- ریش چهار گوش مجعد ۳- پشت موی بلند و مجعد ۴- حالت نیم رخ صورت. نتیجه گرفته می شود که سنگ تراشان هخامنشی از نقش برجسته های آشوری الهام و الگو گرفته اند و یا سنگ تراشان آشوری این نقش را ایجاد کرده اند.

فعّالت ۳

به پنج گروه تقسیم شوید و با راهنمایی دبیر خود، هر گروه یک بخش از آثار هنری دوره ی ساسانی را در قالب پاورپوینت معرفی و در کلاس ارائه کنید، (الف) بناها، (ب) سنگ نگاره ها (پ) ظروف فلزی (ت) سکه ها (ث) زیورآلات

موفق باشید